

احوال و آثار فاضل هندی

(جایگاه فاضل هندی در علوم شیعی در عصر صفوی)

فصل اول: احوال

ابوالفضل بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی، مشهور به «فاضل هندی»^۱، «بهاء الدین»^۲ و «کاشف اللثام»^۳ - متولد بسال ۱۰۶۲ و درگذشته ۱۱۳۷ ق.^۴ - از چهره های برجسته علمی عهد اخیر صفوی، و در شمار فقیهان بلند پایه مکتب امامیه در این دوره است. وی با تألیف کتاب ارجمند کشف اللثام، موقعیت خویش را به عنوان فقیهی مبرز در تاریخ اجتهاد شیعه پایدار ساخت. متأسفانه، منابع موجود، در شرح حال این فقیه برجسته، آگاهیهای مختصری به دست داده اند. در این میان، انتظار از میرزا عبدالله افندی صاحب **ریاض العلماء** که ارتباط نزدیکی با فاضل داشته، چنان بوده که شرح حال وی را به تفصیل در ریاض ثبت کند، اما متأسفانه در متن موجود یادی جز به اشارت آن هم در ضمن شرح حالهای دیگران نشده است. قاعدتاً شرح حال فاضل که به احتمال مفصل نیز بوده، در بخش مفقود ریاض بوده است.

از معاصرانش، تنها **حزین** چند سطری در باره او نگاشته چنانکه اشارات کوتاهی در **وقایع السنین** نسبت به پدرش دیده می شود. جسته گریخته، در یکی چند اجازه از وی و نیز یادداشتهایی که بر روی برخی نسخ آمده، اشاراتی به حیات وی شده است. خوشبختانه خود وی در آغاز کشف اللثام اشارتی به پیشینه علمی خود کرده است.

ص: ۱۱۹

گویا نخستین شرح حال منظم اما کوتاه وی در **مقابس الانوار** و اندکی با تفصیل بیشتر در **روضات الجنات** آمده است. بعد از آن شرح حال وی در **قصص العلماء تنکابنی**، **نجوم السماء**، **فوائد الرضویه**، **الکنی و الالقاب** و **تذکره القبور** ثبت شده که نکته تازه کمتر در آنها دیده می شود.

۱. صاحب ریاض ذیل عنوان کسافی که به «بهایی» شهرت دارند می نویسد: و قد یراد فی عصرنا هذا به المولی بهاء الدین محمد بن المولی تاج الدین الحسن بن محمد المعروف بالفاضل الهندی. ریاض العلماء، ج ۷، ص ۳۶. خود فاضل هندی نیز معمولاً از خود با عنوان «محمد بن الحسن الاصفهانی المشهور بالبهاء» یاد کرده است.

۲. این عنوانی است که خود فاضل هندی در مواردی برای خود یاد کرده است

۳. در باره تاریخ درگذشت وی بعد از این سخن خواهیم گفت

آنچه را در اینجا آورده ایم بر پایه آگاهیهای مختلفی است که در منابع مذکور و نیز فهرس نسخ خطی در باره او و آثار وی آمده است.

ملاتاج الدین اصفهانی پدر فاضل هندی

تاج الدین حسن اصفهانی مشهور به ملاتاجا، پدر فاضل هندی، از علمای اصفهان در اواخر قرن یازدهم بوده است. خاتون آبادی تاریخ فوت وی را هشتم رجب سال ۱۰۹۸ یاد کرده و می افزاید: مرد طالب علمی بود، مشغول به مباحثه و مطالعه و تصحیح کتب حدیث و به حال خود. قدس الله روحه.^۴ در صورت اجازه ای که فاضل هندی برای شیخ احمد عربی حلی نوشته، آمده است که او کتاب قرب الاسناد را از طریق پدرش از مولی حسن علی بن عبدالله التستری ... روایت کرده است.^۵ فاضل هندی در باره پدرش که عمده شیخ او در نقل روایات به شمار می آید با عنوان «والدی العلامة تاج أرباب العمامة» یاد کرده است.^۶

مولا تاجا، از اهالی رویدشت اصفهان بوده است.^۷ در موردی، در یک اجازه از سید حسین بن سید حیدر کرکی آمده است: ... حدثني به (حدیث الجن) المولى الجليل الفاضل النبيل مولانا تاج الدين حسن بن شرف الدين الفلاورجاني الاصفهاني.^۸ این عبارت، ه مانطور که صاحب روضات اشاره فرموده، فلاورجانی بودن مؤلف را می رساند. صاحب روضات می افزاید: از آنجا که این مولی تاج الدین پدر فاضل هندی است، وجه سخن برخی از افاضل در اینکه فاضل از منطقه اشیان لنجان است، به دست می آید. محتملا به استناد سخن صاحب روضات است که مرحوم مصلح الدین مهدوی از وی با عنوان بهاءالدین محمد بن تاج الدین حسن بن محمد فلاورجانی لنجانی رویدشتی^۹ یاد کرده است.

ص: ۱۲۰

در این نام، وی هم فلاورجانی دانسته شده و هم رویدشتی. می دانیم که جهت این دو منطقه متفاوت است گرچه هر دو منطقه در حاشیه زاینده رود واقع است. رویدشت - که در اصل

۴. وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۴۲. آقابزرگ در ذریعه، ج ۳، ص ۴۹ و الروضة النضرة ص ۹۰، به نقل برخی منابع، تاریخ درگذشت مولی تاجا پدر فاضل هندی را سال ۱۰۸۵ نوشته است که نباید درست باشد

۵. روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۳

۶. روضات، ج ۷، ص ۱۱۳

۷. روضات، ج ۷، ص ۱۱۴، ج ۵، ص ۵۳

۸. روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۵

۹. سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۶

همان روزدشت است^{۱۰} - ناحیه دوسوی زاینده رود در قسمت شرق اصفهان است که شامل برآن جنوبی و شمالی می شود، در حالی که فلاورجان - که در اصل مغرب پل ورگان است - در ناحیه جنوب غربی اصفهان واقع شده و بین آنها فاصله زیادی است. صاحب روضات در این که چگونه ممکن است مولاتاجا و فرزندش فاضل هندی، رویدشتی فلاورجانی باشند، می نویسند: محتمل چنان می نماید که پدر در آنجا و پسر در اینجا متولد شده و یا آن که یکی از دو نسبت مربوط به یکی از اجداد آنها باشد.^{۱۱}

این توضیحات وقتی درست است که ما عبارت اجازه فوق الذکر را که در آن نام شرف الدین فلاورجانی آمده است در باره جد فاضل بدانیم. به عبارت دیگر، اگر در اجازه فوق الذکر از سید حسین کرکی، تاج الدین مذکور شخصی جز تاج الدین پدر فاضل هندی باشد، از اساس فلاورجانی بودن خاندان فاضل منتفی است. این احتمال از آنجاست که خود فاضل نام جد خود را محمد یاد کرده و گرچه محتمل است که لقب وی شرف الدین بوده اما چنانچه این لقب را داشت، خود فاضل به افتخار در موارد دیگر که از جد خود یاد کرده، آن را ذکر می کرد. با این حال در اجازه مزبور علاوه بر لقب تاج الدین، نام وی نیز حسن است که این درست همانند نام پدر فاضل هندی است.

در مورد محل قبر مولاتاجا مهدوی در یک پاورقی در شرح حال علامه مجلسی ضمن یاد از مقابر اصفهان، از مقبره بازار غاز یاد کرده و گفته که قبر مولا تاجا آنجاست. از طرف دیگر به نقل دوستی، در یکی از امامزاده های فلاورجان سنگ قبری هست که نام مولاتاجا بر روی آن آمده که به حدس این دوست باید قبر پدر فاضل هندی باشد.

تألیفات مولی تاج الدین اصفهانی

از مولی تاج الدین چند اثر یاد شده که متأسفانه در باره نسبت بیشتر آنها تردید جدی وجود دارد.

ص: ۱۲۱

۱ - البحرالمواج: این کتاب در تفسیر بوده و صاحب روضات آن را در شمار تألیفات تاج الدین اصفهانی یاد فرموده است. سابقاً در فهرست کتابخانه مجلس، کتابی در تفسیر که از محمد لاهیجی بوده به اشتباه به عنوان البحرالمواج به فاضل هندی منسوب شده است. در چاپ جدید

۱۰. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۰۵. روی دشت از مغرب به برآن و از مشرق به گاو خونی منتهی شده و مجموعاً دوازده فرسخ می باشد.

نک: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، محمد مهدی اصفهانی، به کوشش منوچهر ستوده، ص ۳۰۶

۱۱. روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۵

جلد سوم فهرست، صفحه پنجم، این اشتباه تصحیح شده است.^{۱۲} اشاره منزوی نیز در فهرست نسخه های فارسی، با توجه به همان نسخه ای است که در مجلس بوده و بعد از آن اصلاح شده است.

در این باره باید گفت که کتاب مزبور نه از فاضل هندی و نه از پدر اوست. این کتاب از **شهاب الدین احمد بن شمس الدین بن عمر دولت آبادی هندی** است که متوفای ۸۴۸ بوده و دو نسخه از آن در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.^{۱۳} اشتباه از آنجا ناشی شده است که صاحب ریاض در بخش القاب کتاب خود - مربوط به اهل سنت - ذیل عنوان **الفاضل الهندی** از یک فاضل هندی سنی و دیگری شیعی - یعنی همین فاضل هندی ما - یاد می کند. در ادامه در شمارش آثار فاضل هندی سنی از البحر الموج یاد کرده و می گوید که نسخه آن را نزد فاضل هندی معاصر دیده است. این عبارت سبب شده است تا صاحب روضات گمان کند که کتاب مزبور از فاضل هندی ماست. نقل عبارت ریاض که نکات دیگری را نیز روشن می کند چنین است: **الفاضل الهندی: هو الشيخ الحنفی السنی شارح الکافیة شرح کبیر فلاح و شرح آخر مختصر ممزوج مع المتن و عندنا منه نسخه. و قد يطلق (یعنی عنوان الفاضل) علی المولی بهاء الدین محمد بن المولی تاج الدین حسن الاصفهانی ثم الهندی ثم الاصفهانی الامام ی الشیعی المعاصر. و من مؤلفات الفاضل الهندی شارح الکافیة (یعنی همان فاضل سنی) تفسیر البحر الموج بالفارسیه لکنه کثیر الفوائد! فی مجلدات و هو موجود عند الفاضل الهندی المعاصر (یعنی فاضل هندی ما) و رأیت منه مجلده الاخر و المجلد الاخير من تفسیره هذا جید جدا.**^{۱۴} این عبارت که مرحوم ثقه الاسلام تبریزی هم بدان اشاره کرده،^{۱۵} صریح در آن است که تفسیر البحر الموج ربطی به فاضل هندی و پدر ندارد.^{۱۶}

ص: ۱۲۲

در ذیل کشف الظنون هم از **البحر الموج و السراج الوهاج** یاد شده است.^{۱۷}

۲ - **رساله تزویجیه:** این رساله در اثبات این نکته است که دخترانی که به عقد عثمان درآمدند، فرزندان رسول خدا - صلی الله علیه و اله - نبودند بلکه فرزندان همسر ایشان بودند.^{۱۸}

۱۲. شگفتا که آقای دکتر صفا به همین چاپ و همین صفحه در تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ / ۳، ص ۱۴۶۵ ارجاع داده، با این حال، البحر الموج را از فاضل هندی دانسته

۱۳. فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۶، ص ۳۱، ش ۳۲۳۵؛ ج ۱۲، ص ۱۷۵، ش ۴۶۰۹

۱۴. این متن از روی نسخه عکسی ریاض که جناب آقای سیداحمد حسینی اشکوری - حفظه الله - در اختیار ما گذاشتند نقل شده است

۱۵. مرآة الکتب، ج ۴، ص ۷

۱۶. نک: فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۳۵، صص ۱۶ - ۱۷

۱۷. کشف الظنون، ج ۳، ص ۱۶۶

شیخ آقابزرگ نوشته اند که رساله ای در این موضوع همراه مکارم الاخلاق در سال ۱۳۱۱ چاپ شده است. در این رساله از متأخرترین عالمی که نقل شده شه ید اول است.^{۱۹} گفتنی است که، از همان متن چاپ شده، نسخه ای خطی در کتابخانه مرعشی^{۲۰} موجود است که آغاز آن با آنچه شیخ آقابزرگ از نسخه چاپی نقل کرده اند یکی است. با این حال، در مجموعه ای که رساله **تزویجیه** در آن قرار دارد، پنج رساله پشت سر هم از محقق کرکی است و از قضا با خط سرخ بر بالای همین رساله نیز نوشته شده است **للشیخ علی**. یعنی محقق کرکی. فهرست نویس محترم کتابخانه این نسبت را نپذیرفته اند و به استناد سخن آقا بزرگ و نقل صاحب روضات که ملاتاجا رساله ای در این باره داشته، آن را به ملاتاجا اصفهانی پدر فاضل هندی نسبت داده اند. در این باره جز شباهت موضوع تألیف، دلیل دیگری وجود ندارد و لذا آقابزرگ نوشته است: لعلها لصاحب الترجمة که مقصودش ملا تاجا اصفهانی است. نسخه دیگری از همین رساله در کتابخانه مجلس موجود است.^{۲۱}

افندی ضمن سخن در باره فاضل هندی سنی - که قسمتی از آن در ذیل عنوان البحر المواج گذشت - این رساله را نیز از همو دانسته است. وی می نویسد: و له رسالته ایضا فی ان البتین اللتین کانتا تحت عثمان لم یکونا ابتنا رسول الله صلی الله علیه و اله بل ابتنا زوجة النبی صلی الله علیه و اله و لم اعلم عصره و لا اسمہ. البته ما اکنون می دانیم که او در سال ۸۴۸ درگذشته است. با این حال از این نکته نباید غفلت کرد که رساله مزبور

ص: ۱۲۳

نمی تواند اثر یک مؤلف سنی باشد زیرا منقولات آن از علمای شیعه و روش استدلال نیز شیعی است. طبعاً باید برای صاحب ریاض اشتباهی پیش آمده باشد که دقیقاً می دانیم چه بوده است.

۳ - **حاشیه ای بر کافیه**: از این کتاب در فهرست رضوی یاد شده است. این در حالی است که بنا به نقل صاحب روضات، خود فاضل هندی نیز شرحی بر کافیه داشته است. در این باره البته ممکن است پدر و پسر هر دو چنین کتابی نوشته باشند، اما در این باره بای د با مراجعه به نسخه مشهد تحقیق بیشتری صورت گیرد. گرچه وجود دو نسخه از حاشیه بر کافیه منسوب به فاضل

۱۸. روضات، ج ۷، ص ۱۱۴. در سالهای اخیر استاد ماع لاهه سید جعفر مرتضی نیز کتابی با عنوان «بنات النبی» در این موضوع نگاشته اند، گرچه عقیده ایشان بر این است که آنان دختران هاله خواهر حضرت خدیجه بوده اند.

۱۹. ذریعه، ج ۴، ص ۱۷۲. در الروضة النضره ص ۹۰ اشاره شده که رساله مزبور همراه فرحة الغری در سال ۱۳۱۲ ق. چاپ شده است.

۲۰. فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۱۸۵

۲۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۱۵، ص ۱۷۵. وجود این رساله در این مجموعه قدری بر تردید در درستی نسبت آن به مولا تاجا می افزاید.

هندی یکی در آستان قدس رضوی و دیگری در الهیات مشهد، ممکن است ما را مطمئن سازد که فاضل کتابی با این عنوان داشته همانطور که پدر ایشان نیز کتابی با عنوان شرح دا شته است. از توضیحاتی که ذیل مدخل البحرالمواج گذشت ممکن است چنین استفاده شود که اصولاً این کتاب مربوط به فاضل هندی سنی بوده است.

۴ - شرح شافیه

۵ - شرح صحیفه سجادیه : این دو کتاب را مرحوم مهدوی به پدر فاضل هندی نسبت داده است.^{۲۲} هر چند منبع این نسبت را روشن نکرده است.

۶ - جامع الفصول و قاع الفضول : کتابی با این عنوان در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۲۰۴۶ هست که بنا به یادداشت ایشان، از آن تاج الدین حسن اصفهانی دانسته شده است . این کتاب دعا که از آغاز ناقص بوده امانتقدیم نامه آن به شاه سلیمان صفوی در آن موجود است. روشن نشد که مصدر سخن مرحوم آیه الله مرعشی - رحمه الله علیه - چه بوده . در ذریعه نیز از چنین مدخلی یاد نشده است.

در شمار کسانی که اجازه روایتی از مولا تاجا داشته اند، یکی شیخ ابراهیم بن محمد بن علی حرفوشی عاملی کرکی ساکن مشهد مقدس است که تاریخ درگذشت وی ر ۱۰۸۰ دانسته اند. وی از مولا تاجا با عنوان حدثنی المولی الفاضل الجلیل مولانا تاج الدین حسن اصفهانی یاد کرده است.^{۲۳}

آیا می توان تصور کرد که عالم دیگری با عنوان تاج الدین اصفهانی در اصفهان بوده که برخی از این گزارشات مربوط به او باشد؟

ص: ۱۲۴

دلیل شهرت فاضل به هندی

فاضل در اوایل جوانی همراه پدرش چندی به هند رفت و زمانی که بازگشت به فاضل هندی شهرت یافت، شهرتی که خود نیز از آن خشنود نبود. صاحب روضات از وی نقل کرده است که در جایی نوشته : والدی تاج الدین حسن الاصفهانی و الإشتهار بالفاضل الهندی^{۲۴} الذی لست راضیا به لمجئنا منها بعد ذهابنا وجوبا إليها و ذلک قبل أوان حلم ی بکثیر.^{۲۵} گفتنی است که کسی مدت زمانی را که آنها در هند بوده اند و یا دلیل آن را یاد نکرده اند. تنها اشاره شده است که وی یعنی فاضل هندی در آنجا مناظره ای در امامت با یکی از سنیان داشته که داستان آن بر سر

۲۲ . زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۳

۲۳ . تکلمه امل الامل، صص ۸۵ - ۸۴

۲۴ . تعبیر «بالفاضل الهندی» در نسخه چاپ حروفی روضات افتاده است

۲۵ . روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۴.

زبانها بوده است. یکی و جرت له فیها مع المخالفین مناظره فی الامامة معروفة علی اللسنه قصتها عجیبه^{۲۶} حزین نیز نوشته است: چون در صغر سن با والد خود به هند افتاد به فاضل هندی مشهور بود.^{۲۷} قاعدتاً باید این سفر در ارتباط با سفرهای مشابهی بوده که بسیاری از عالمان و ادیبان آن روزگار به هند داشته اند تا از شرایط فرهنگی و اقتصادی مناسب آن دیار بهره ای برند.^{۲۸} از دوران تحصیل او در مدرسه این نقل سیدجلال الدین آشتیانی مفید می نماید: حقیر در جنگی قدیمی در زمان گذشته عبارتی از شخصی که در اواخر صفویه می زیسته دیده است که شخص مذکور نوشته است در مدرسه صبی مراهمی را دیدم که در بحث علیم ماهر و واجد مقام عالی در علوم عصر بود و آثار نبوغ از ناصیه او هویدا. از نسبش سؤال کردم گفتند او فرزند ملاتاج است نامش محمد بهاءالدین.^{۲۹}

استادان فاضل

با نگاهی به آثار با ارزش فاضل هندی، می توان حدس زد که وی استادان بنامی داشته است اما کوشش برای یافتن چنین استادانی برای وی به جایی نمی رسد. آنچه در اجازات موجود - که در حد اجازه روایتی است - آمده نشان می دهد که اتکای اصلی وی در این زمینه

ص: ۱۲۵

به پدرش بوده و باید پدر وی را نخستین استاد او دانست. با این حال، مرحوم گزی نوشته است: وی شاگرد مجلسی بوده است. پس از آن، گویا به نقل از تنکابنی^{۳۰} افزوده است: گویند: شاه سلطان حسین برای تعلیم مسائل حرم خود غیربالغی خواست گویا مجلسی او را معین نموده، وقتی چشمش را گرفته، بیرون آمده بعد گفته: این وقت بالغ شدم، ترسیدم چشمم به آنها بیفتد!^{۳۱} این نقل، دست کم نباید نسبت به شاه سلطان حسین که سلطنتش از سال ۱۱۰۵ آغاز شده درست باشد، چون در آن وقت، فاضل هندی متولد ۱۰۶۲، ۴۳ سال عمر داشته است!! مرحوم مهدوی نیز بدون اشاره به مأخذی، وی را در شمار شاگردان علامه مجلسی ذکر کرده و نوشته است: وی از علامه مجلسی و پدرش روایت نقل می کند.^{۳۲}

۲۶. مقابیس الانوار، ص ۱۸؛ روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۲

۲۷. تاریخ حزین، ص ۶۴

۲۸. داستان این مسافران را در کتاب «کاروان هند» دکتر گلچین معانی (چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی) می توان دید.

۲۹. منتخبات آثار حکما، ج ۳، ص ۵۴۴ پاورقی.

۳۰. که باید او را قصه پرداز خواند.

۳۱. قصص العلماء، ص ۳۱۲؛ تذکره القبور، ص ۳۹

۳۲. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۲؛ تلامذه العلامة المجلسی و المجاوزون منه، ص ۶۳. در منبع دوم، به خطا، تاریخ درگذشت

فاضل ۲۵ صفر ۱۱۳۷ یاد شده که درست آن رمضان است

باید توجه داشت که مشی فکری و فقهاتی وی چندان با علامه مجلسی سازگاری نداشته و البته ممکن است که وی اجازه روایتی از وی داشته بوده - گرچه در اجازات موجود علامه مجلسی یادی از چنین چیزی نکرده - اما نمی توان او را شاگرد فکری علامه مجلسی دانست، چرا که علامه محدث و اخباری معتدل است در حالی که فاضل به مکتب فقهی - اصولی محقق کرکی تعلق دارد (به ادامه بحث توجه فرمائید). این نکته نیز گفتنی است که فاضل هندی نسبتی نیز با علامه مجلسی داشته است. ملاحیدر علی در تذکره الانساب که شرحی از احوال خاندان مجلسی است، نوشته است که والده میرزا کمال الدین بن آقااحمدبن آقاکمال الدین حسین اول، که از این سلسله بوده بهاءالدین محمد مشهور به فاضل هندی گرفته است.^{۳۳}

شاگردان و اجازات فاضل برای آنها

۱ - از جمله شاگردان وی یکی شیخ احمد بن حسین حلی است که اجازه ای در پشت کتاب قرب الاسناد برای وی نوشته و صاحب روضات آن را دیده است.^{۳۴} اکنون نسخه این قرب الاسناد در کتابخانه آیه الله مرعشی بوده و متن اجازه مزبور چنین است:

ص: ۱۲۶

بسم الله خير الاسماء والصلوة على سيد الانبياء و آله الائمة البررة الاصفياء، اما بعد : فقد سمع مني خليلي الجليل الفاضل النبيل احمد اخلائي و أحب اودائي الى الشيخ احمد الحلي - عمه الله بلطفه الخفي و الجلي - الكتب الثلاثة من قرب الاسناد الى ائمة العباد، اذ حدثت بها فاستمع و وعى و استمتع بها و اجتهد فيم ا سعى، فاجزت له ان يرويها عني عن والدي العلامة تاج الاسلام و المسلمين عن شيخه الثقة الامين المولى الحسن بن عبدالله التستري عن والده شيخ الشيعة في زمانه عن الشيخ نعمه الله بن احمد بن محمد بن خاتون العاملي عن الشيخ علي بن عبدالعالي العاملي شارح القواعد عن مشايخه كابرأ عن كابر عن الشيخ الرئيس ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عن المفيد محمد بن محمد بن نعمان عن الصدوق محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي عن أبيه عن المصنف رضوان الله علينا و عليهم اجمعين . و كتب المتمسك بالثقلين، المتبري عن الشيخين (ظ) محمد بن الحسن الاصفهاني المعروف بالبهاء شفع الله فيه اصحاب الكساء صلوات الله عليهم ملئ الأرض و السماء.^{۳۵}

۲ - سید محمدعلی کشمیری نیز از کسانی شمرده شده که از وی اجازه روایتی داشته است.^{۳۶} وی کتاب الطهارة و کتاب الصلوة کشف اللثام را نوشته و یا استکتاب کرده و فاضل هندی

۳۳. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۷۵، به نقل از: تذکره الانساب، ص ۱۰۷، و نک: نجوم السماء، ص ۲۱۲

۳۴. روضات، ج ۷، ص ۱۱۳

۳۵. روی نسخه قرب الاسناد به شماره ۹۸۲ کتابخانه آیه الله مرعشی رحمه الله علیه.

۳۶. تلامذه العلامة المجلسی و المجازون منه، ص ۶۳

اجازه ای برای وی بر روی آنها نگاشته است، جز آن که کتاب الطهارة که در مجلدی مستقل بوده در ایام محاصره اصفهان توسط افغانه در سال ۱۱۳۴ از دست وی رفته است. کشمیری خود یادداشتی بر روی نسخه کتاب الصلوة این نکته را توضیح داده و سواد اجازه فاضل هندی را که بر کتاب الطهارة بوده آورده است. در انتهای سواد اجازه با اشاره به این که متن اصلی بر روی نسخه کتاب الطهارة بوده نوشته است: **قد ضاع المجلد المذكور فی ایام المحاصرة و ارجو من الله تعالى ان یوصله الی بفضلہ العمیم**. به نظر چنین می رسد که این نسخه محفوظ مانده و عکسی از صفحه آخر آن در کتاب **لمعة النور و الضیاء** آمده است. در این صفحه تاریخ استکتاب آن توسط کشمیری سال ۱۱۲۷

ص: ۱۲۷

است و اجازه فاضل هندی نیز در تأیید سماع کشمیری بر روی آن دیده می شود.^{۳۷} متن مفصل اجازه فاضل برای کشمیری بر روی نسخه کتاب الصلوة موجود است که عبارت آن چنین است:

أنهى الاخ الفاضل التقى الذكى الزكى الالمعى ... المولى محمدعلى القشمیری (كذا) هذا المخطوط من كشف اللثام عن قواعد الاحكام قراءة لبعضه و سماعاً لبعض متفهماً لحقائقه متنبهاً لدقائقه فاجزت له وفقه الله أن يرويه عنى لمن شاء و أحب من اخواننا المؤ منین. و كتب المؤلف محمد بن الحسن الاصفهانی المعروف بالبهاء حشره الله فی اصحاب اصحاب العباء فی جمادی الاولى لسنة الف و مائة و تسع و عشرين ... باصبهان ملأها الله من ... الامن و الايمان.^{۳۸}

۳ - شاگرد دیگر او که صاحب روضات از وی با عنوان الفاضل المحقق المدقق الب الغ الى ملكة الاجتهاد یاد فرموده، **سید ناصرالدین أحمد بن سید محمد بن سید روح الامین مختاری سبزواری** است که فاضل برای وی نیز اجازه ای نگاشته است. وی بخشی از این اجازه را که در رجب سال ۱۱۳۰ نوشته آورده است. فاضل در آن تصریح کرده است که وی بیشترین روایات خود را از پدرش و او از حسن علی بن عبدالله تستری (تا برسد به معصوم) نقل کرده است.^{۳۹} نسخه ای از مناهج السویه مؤلف که این اجازه در پشت آن نوشته شده در اختیار علامه حاج سید محمدعلی روضاتی - دامت برکاته - است. ایشان لطف کرده متن استجازه ناصرالدین و اجازه فاضل هندی را استنساخ کرده برای ما فرستادند. بلبپاس از ایشان متن استجازه و اجازه که هر دو حاوی نکات ارزشمند اخلاقی و علمی است، عیناً نقل می کنیم. استجازه سید ناصرالدین چنین است:

۳۷. نک: لمعة النور و الضیاء، آیه الله مرعشی، ص ۱۴۲ به کوشش فخرالدین نصیری امینی.

۳۸. نسخه كشف اللثام، ش ۳۷۶۷ مرعشی.

۳۹. روضات، ج ۷، ص ۱۱۳

اما بعد أحمد الله على نعمائه و الصلوة على سيد أنبياءه و عترته و أوصيائه فالمعروض ببابكم و المسؤول من جنابكم أن تمنوا على عبدكم الذى صرف برهه من عمره نحو الاصغاء إلى إفاداتكم الشريفة فى التفسير والحديث سيم من التفسير ما يتعلق بآيات الاحكام و فى سماع «كشف اللثام» شرحكم الشريف

ص: ١٢٨

على «قواعد» علامة علماء الاسلام رفع الله له المقام بالاجازة فى الرواية عنكم ما سمعه و تلقاه و تعلمه و وعاه.

ثم إنكم قد رأيتم ما سنح بخاطرى الفاتر و عرضت عليكم بعض ما فهمته بفهمى القاصر فرأيتم مقبلين على بالقبول بل كثيراً ما أحسستم وأثنتم على ثناء فوق ما هو المظنون و المأمول فإن لم يكن ذلك لعدم وجدان عبدكم أهلاً للهداية و الرشاد غير مستعد لتفهيم ما يدل على الفساد فأتوا على الإكرام و الإكرام مرجو من الكرام و صرحوا بأن ما ترجح فى نظرى بالدلائل الشرعية هل يجوز لى او متعين على العمل به و ما كنت فى ذلك من اولى الاثام او على الترك و السماع ممن هو أهل لافتاء الاحكام و على تقدير جواز عملى بما علمته بعد بذل المجهود فى التحقيق و التنقيد هل لى الافتاء بذلك لمن يسترشده و يستغنى و يستفيد أم لا، لأن نقود الافكار لا رواج لها الا بعد الاختبار و العرض على ما هو المعيار و التسكك بسكة مثلك منصوب علماً للحافظين من عند حجة الله الذى رفعه أعلى مرتبة الإمكان و أعطاه الملك و الحكمة و الامامة و السلطان جعلنى الله فداؤه و سلكنى فى زمرة أخلص أوداءه و ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء و الله ذو الفضل العظيم . و إن لم تجدونى أهلاً لذلك و أظن نفسى الخاسرة القاصرة كذلك فع لى ذمتكم التأديب و الاستكمال و علاج مرض عبدكم السقيم فإن الطيب طيب الأرواح و هم العلماء لا الأشباح اذ ربما تصدى له الناقصون من الاطباء. و ما توفيقى الا بالله و عليه توكلت و به الاعتصام فى الهداية و الرشاد و إلى ما ينفعنى فى المبدء و المعاد و كتب بيمنه الجانية فقير عفو ربه الغنى ابن محمد بن روح الامين ناصر الدين احمد المختارى الحسنى حشره الله فى زمرة المعتصمين بأذيال عتره النبى من سنة الف و مائة و ثلثين من هجرة سيد الكونين صلى الله عليه و آله المصطفين .

اجازه فاضل هندی به این شاگرد مخلص و صادق چنین است:

اما بعد الحمد لله و الصلوة على محمد و آله، فقد استجازنى السيد السند الكامل صاحب الذهن الوقاد و الطبع المستقيم النقاد و الفضل و الرشاد البالغ الى ملكة الاجتهاد المدقق الفهامة بل المحقق العلامة ناصر الدين احمد بن المرحوم السيد محمد ابن المبرور السيد روح الام بن أسكنهم الله فى عليين من سادات

ص: ١٢٩

بنى المختار الساكنين بسبزوار المقيمين اليوم بأصبهان بعد سكناهم بنائين برهه من الزمان، بعد ما قرأ على قدر كافياً من «كشف اللثام» شرحى على «قواعد الأحكام» ، قرأت عليه شطراً وافياً من الأخبار و سمعها منى قرائة تحقيق و سماع تدقيق، فوجدته أهلاً لذلك بل فوق ذلك فإنه و إن

لم يكن ولدى فى عالم الاشباح، لكنه أرشد أولادى بل أكثرهم قدراً و منزلة فى عالم الأرواح . فأجزت له أن يروى عنى ما قرأت عليه أو قرأه على أو سمعه منى أو وجده بخطى المعروف لديه كما سمعه و وجده. و كذا جميع كتب الأخبار التى تواترت نسبتها إلى جامعها و أجزت له فى إفتاء ما ترجح فى نظره لأننى وجدته شفاهاً أهلاً لذاك كاملاً فى العلوم التى توقف الإفتاء عليها عادلاً فى دينه و مروته بتعديل العدول لدى ثم أيقنت بذلك بعد معاشرتى الباطنية معه فى الخلوات و اطلاعى على بع ض ما وفقته الله له من المصنفات . ثم إنى أروى الأخبار بعدة طرق صحيحة معروفة لديه و أكثر رواياتى من والدى العلامة تاج أرباب العمامة و هو كان يروى عن الحبر المدقق مولانا حسن على عن والده الورع المحقق مولانا عبدالله التستري و طريقه الى المعصوم معروفة و المسؤول منه الدعاء لى فى مظان إجابته و لوالدى و لمشايخى و أسلافى رضى الله عنهم.

و كتب يميناه الجانية محمد بن الحسن الاصفهاني المدعوّ بيهاء الدين نجاه الله آفات الأوان و كتب الأمون فى شهر رجب المرجب لسنة مضت من الالف مائة و ثلثون (لك البهاء كله)

و كتب الفاضل المجيز فى هامش هذاالموضع ما لفظه الشريف : والدى تاج الدين حسن الاصفهاني و الاشتهار بالفاضل الهندي لست راضياً به لمجئتنا منها بعد ذهابنا وجوباً اليها و ذلك قبل أوان حلمى بكثير و كتب محمد بن الحسن الاصفهاني المدعو بيهاء الدين.

٤ - ميرزا بهاء الدين محمد مختارى كه از بنى اعمام سيدناصرالدين پيشگفته است، از ديگر شاگردان فاضل هندی است . آقابزرگ مى گوید: نسخه اى از رساله فى حجية اليد و حكمها عند المعارضه مع غيرها و عدم المعارضه را دیده كه در نيمه ربيع الاول سال ١١١٧ نوشته شده و در آنجا از مجلسى به شيخنا ياد شده و تصريح به شلگردى خود براى

ص: ١٣٠

فاضل هندی کرده است.^{٤٠} ايضاً نسخه اى از مرآت العقول در كتابخانه آقا سيد محمد فرزند سيدمحمد كاظم بوده كه اجازه اى از علامه مجلسى و نيز اجازه اى از فاضل هندی بر روى آن براى ميرزا بهاء الدين مختارى بوده است.^{٤١}

٥ - از جمله شاگردان وى **ميرزا عبدالله افندى** است كه پس از تحصيل مقدمات در محل تولدش تبريز به اصفهان آمده و نزد آقا حسين خوانسارى، آقا جمال و فاضل هندی و علامه مجلسى تحصيل کرده است .^{٤٢} قائل اين سخن مأخذى براى شاگردى افندى نياورده است . بايد توجه داشت كه فاصله سنى آنها چيزى حدود چهار سال بوده است.

٤٠ . الكواكب المنتشرة، ص ١٠٩

٤١ . همان، ص ١٠٩

٤٢ . نك: الاجازة الكبيرة، ص ١٤٧ (پاورقى). و نك: زهرة الرطاض فى ترجمه صاحب الرياض، (در جلد اول رياض العلماء)، ص ١٦

۶ - شاگرد دیگر وی شیخ محمد بن حاج علی بن امیرمحمود جزائری تستری است. سید عبدالله جزائری وی را صاحب تألیفات فراوان دانسته و می افزاید: سافر أخيراً الى اصفهان و انقطع بالفاضل الهندی.^{۴۳}

۷ - ملاعبدالکریم بن محمد هادی طبسی نیز از شاگردان فاضل هندی بوده است. در انتهای نسخه ای از کتاب من لایحضره الفقیه، اجازه ای از فاضل هندی برای وی نوشته است به این عبارت:

اجزت للاخ الفاضل الذکی الزکی الالمعی المولی عبدالکریم الطبسی ان یروی عنی کتبی و یروی کتب اصحابنا - رضوان الله علیهم اجمعین - بعد اتقانها، عنی عن والدی العلامة تاج ارباب العمامة حسن بن محمد الاصفهانی عن شیخه المولی حسن بن عبدالله التستری عن ابیه عن الشیخ نعمه الله بن خاتون العاملی عن الشیخ علی بن عبدالعالی العاملی عن مشایخه العظام. و کتب محمد بن الحسن المعروف بالبهاء کان الله لهما و لا کان علیهما.^{۴۴}

۸ - از دیگر شاگردان وی علی اکبر بن محمد صالح حسنی لاریجانی بوده که نسخه ای از کشف اللثام را به خط خود نوشته و اجازه فاضل نیز بر آن موجود است. شیخ آقابزرگ نوشته اند که نسخه مزبور نزد نصیری امینی بوده است.^{۴۵}

ص: ۱۳۱

۹ - از دیگر شاگردان وی محمد صالح کزازی قمی است. وی در سال ۱۱۲۶ به اصفهان رفته و نزد فاضل هندی به تحصیل پرداخت. او رساله کوچکی از فتاوی فاضل هندی مرتب کرد.^{۴۶} نام این رساله تحفه الصالح است که در جای دیگری نیز از آن یاد شده^{۴۷} اما نسخه ای از آن که قاعدتاً باید موجود باشد، شناسانده نشده است.

۱۰ - از دیگو شاگردان وی صدرالدین محمد حسینی است. از وی شرحی بر عدة الاصول باقی مانده که بر روی آن تقریظی از فاضل هندی موجود است. نسخه آن به شماره ۲۷۹۵ در کتابخانه مرعشی موجود است. نقل متن این تقریظ که به قلم ادیبانه فاضل نوشته شده مفید می نماید:

أیها العالم النبیل الفاضل المنیل، العزیز المثل السید السند، الاید المؤید، فاقد النظر، ذالفضل الغزیر اخا الذهن الوقاد و الطبع النقاد، حاوی الفروع و الاصول فی إهابه، جامع المعقول و

۴۳. الاجازة الكبيرة، ص ۱۷۷

۴۴. من لایحضره الفقیه، نسخه ۶۸۰۶ کتابخانه آیه الله مرعشی رحمه الله علیه.

۴۵. ذریعه، ج ۱۸، ص ۵۷

۴۶. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۷۲۶

۴۷. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۳۸

المنقول طي كتابه كثر الله في العلماء أمثالک و أدام توفيقک و إقبالک، نعم العدة ما أعدته لنفسک
 رأس الرؤوس و نعم الجدة ما جدت به على عفاء النفوس فلقدت حمدت فيما عمدت و أجدت
 فيما أفدت و أفدت الافئدة فيما قيدت و أشدت ذکرک بما شيدت و أجملت فيما فصلت و أجملت
 و أعددت الثناء لنفسک فيما عملت و أعملت و حققت و دقت فيما عندک شوفت و شوقت و
 شرحت صدور الصدور فيما شرحت و أحسنت لعمری فيما سرحت و سرخت فجئت و اجتهدت في
 الاتمام و استوفى الله و نستوفقه لك و السلام.

و كتب الهباء المعروف بالهباء محمد بن الحسن الاصفهاني حقق الله لهما ما قدره من

الاماني.^{٤٨}

۱۱ - از دیگر شاگردان وی، محمدتوی اصفهانی معروف به ملا تقیاست. اجازه ای از استاد
 برای وی در سال ۱۱۱۸ نوشته شده که صاحب ذریعه آن را دیده است.^{۴۹}

ص: ۱۳۲

منزلت علمی فاضل هندی

در باره منزلت علمی فاضل هندی تنها وقتی می توان سخن گفت که آثار آن بزرگوار
 و ارزش آن شناخته شود. با این حال در باره منزلت وی شاید همین بس باشد که در سنین پیش از
 بلوغ تألیف را آغاز کرده و خود در این باره در مقدمه کشف اللثام سخن گفته است. بعدها شهرت
 یافت که وی پیش از بلوغ به قوه اجتهاد دست یافته است. سید حسن صدر در باره مجتهد شدن
 مرحوم سید صدرالدین عاملی پیش از بلوغ می گوید که صاحب ریاض العلماء تأیید کرده که او در
 سن سیزده سالگی به اجتهاد رسیده است، آنگاه می افزاید: و هذا نظیر ما یحکی عن العلامة الحلی
 و الفاضل الهندی.^{۵۰} همین سخن را مرحوم صاحب روضات نیز در مورد دیگری آورده است.^{۵۱}
 تنکابنی نقل کرده که شفاها چنین شنیده است که وی در هیجده سالگی به اجتهاد رسیده است، اما
 این را خلاف آن چیزی دانسته که فاضل خود در مقدمه کشف نگاشته است که در سیزده سالگی از
 معقول و منقول فارغ التحصیل شدم.^{۵۲} عبارت خود فاضل هندی - که آن را برای رفع این اشکال
 مطرح کرده که چطور فخرالمحققین در سن یازده سالگی درخواست تألیف قواعد الاحکام را از
 پدرش علامه کرده - چنین است:

۴۸. شرح عدة الاصول، نسخه ۲۷۹۵، برگ نخست. با تشکر از استاد سید احمد حسینی اشکوری که در قرائت درست این متن مرا یاری کردند.

۴۹. ذریعه، ج ۱، ص ۲۳۲، ش ۱۲۲۱؛ الکواکب المنتشرة، ص ۱۱۶

۵۰. تکلمة امل الامل، ص ۲۳۶

۵۱. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۲۲

۵۲. قصص العلماء، ص ۳۱۲

و قد فرغت من تحصیل العلوم، معقولها و منقولها و لم اکمل ثلاث عشرة سنة و شرعت فی التصنيف و لم اکمل إحدى عشرة و صُنفت «منیة الحریص علی فهم شرح التلخیص» و لم اکمل تسع عشرة سنة و قد کنت ع ملت قبله من کتبی ما ینیف علی عشرة من متون و شروح و حواش کالتلخیص فی البلاغة و توابعها و «الزبدة فی اصول الدین» و «الحور البریعه فی أصول الشریعة» و شروحها و «الکاشف» و «حواشی علی عقائد النسفیة» و کنت ألقى من الدروس و أنا ابن عشر سنین شرحی التلخیص للتفتازانی مختصره و مطوله.^{۵۳}

فاضل هندی در شانزده سالگی موفق شده تا شفای بوعلی را تلخیص کند، گرچه این نسخه سوخته و از میان رفته و بعدها در سن بیست و دوسالگی مجددا دست به این اقدام زده، اما همین اندازه مرتبت علمی او و نبوغش را نشان می دهد. به یقین فاضل هندی از عالمان برجسته اصفهان به عهد سلطنت شاه سلطان حسین

ص: ۱۳۳

بوده و در کنار وی عالمان بنامی چون آقاجمال خوانساری، میرمحمدباقر خاتون آبادی بوده اند که هر دو پیش از وی درگذشتند و هر چند منصب و مقام رسمی ملاباشی و شیخ الاسلامی در اختیار آنها بود، اما فاضل به عنوان مجتهدی بنام یکی از مفتیان بزرگ اصفهان به شمار می آمده است.

ملا عبدالکریم فرزند ملا محمد طاهر قمی از فاضل هندی چنین یاد کرده است : **أمجد فضلاء العصر و أعظم علماء الدهر اورع المجتهدين و أمتن اهل اليقين مولانا بهاء الشرع و الدين** ...^{۵۴} سید عبدالله جزائری از وی با عنوان **المفتی باصفهان** یاد کرده است.^{۵۵} تعبیر مفتی با آنچه خود وی در جایی در باره هجوم مردم از تمام ممالک برای استفتاء نزد وی می آمده اند سازگاری دارد. وی در توجیه رها شدن ادامه شرح قواعد، یعنی کشف اللثام، در انتهای کتاب الصلوة یاد آورده شده است که «**لائثیال الناس علیّ للاستفتاء من جميع ممالک الاسلام**» نتوانسته است که کار شرح را ادامه دهد.

حزین نیز در ضمن شرح حال برخی از علمای اصفهان می نویسد: دیگر عمدة المجتهدين مولانا بهاء الدین محمد اصفهانی است . مدتها بود که به افاده معالم دینی مشغول و در شرعیات مرجع اهل زمان خود بود و اخلاقی به غایت ستوده داشت . با فقیر عطوفت بسیاری می فرمود و چون در صغر سن با والد خود به هند افتاد به فاضل هندی مشهور بود.^{۵۶}

۵۳. نک: مقدمه فاضل هندی بر کشف اللثام.

۵۴. نسخه شماره ۱۸ / ۱۵۰ کتابخانه آیة الله گلپایگانی، در آغاز کتاب اذهاب الرجس

۵۵. الاجازة الکبيرة، ص ۴۲

۵۶. تاریخ حزین، ص ۶۴

مرجعیت علمی فاضل هندی پس از درگذشت مرحوم مجلسی در سال ۱۱۱۰^{۵۷} و آقاجمال در سال ۱۱۲۵، فراگیر شد. پیش از آن، برج ستگان علمی که در عین حال از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز منزلتی بالا داشتند عبارت بودند از علامه مجلسی، آقاجمال خوانساری، محمدباقر حسینی خاتون آبادی، شیخ جعفر قاضی (م ۱۱۱۵) آقارضی فرزند آقاحسین خوانساری و شیخ علی نواده شهید ثانی. نام این افراد را بر حکمی فراگیری که شاه سلطان حسین در آغاز سلطنت خود در سال ۱۱۰۶ صادر کرده به عنوان گواه در دست داریم.^{۵۸}

محمدباقر خاتون آبادی، ملاباشی دولت صفوی تا سال ۱۱۲۷ زنده بود اما طبعاً

ص: ۱۳۴

قدرت فاضل در فقه و اجتهاد برجسته تر می نمود. با این حال، فاضل به دلیل گرایش اجتهادی قوی خود تا اندازه ای در نزد جبهه اخباریها متهم بود و به همین دلیل گرفتار مشکل. این اختلاف در مورد حکم نماز جمعه بروز بیشتری داشت. ما در جای دیگر^{۵۹} در باره اختلاف نظرهای علمای دوره صفوی در این باره سخن گفته ایم. بیشتر عالمان اخباری این عهد به استثنای معدودی، به وجوب عینی نماز جمعه قائل بودند. در برابر مجتهدان بیشتر قائل به وجوب تخییری آن با وجود مجتهد جامع الشرائط بودند. برخی نیز چون فاضل هندی قائل به حرمت اقامه آن در غیبت بوده و بر این باور بودند که لفظ امام در روایات مربوطه، مربوط به امام معصوم است. فاضل از این زاویه مورد انتقاد بود. محب علی اصفهانی در پنج صیقل این فتوای فاضل را به شدت مورد حمله قرار داده است. سماهیجی از عالمان آن عهد نیز در چند رساله ای که در باره نماز جمعه نوشته، به فاضل هندی تاخته است. یکی از رساله های وی *القامعة للبدعة* است که استدلالهای فراوانی در وجوب نماز جمعه در آن آورده است. پس از آن در جایی، به عنوان اشکال مقدر بر خود اشاره به فاضل هندی و موقعیت و مرجعیت علمی وی در اصفهان کرده و این که اگر نماز جمعه واجب است پس چرا چنین مرجعی به حرمت آن فتوا داده است. عبارت وی که خود شاهی بر مرجعیت فقهی فاضل هندی است چنین است:

و يوجد في زماننا ايضاً من يقول بالتحريم كما ينقل عن العلا مة الفهامة الامين الشيخ بهاءالدين المعروف بالفاضل الهندي - سلمه الله تعالى - مع صلاحيته و ديانتته و عفته و صيانتته و رجوع أهل هذاالعصر إليه و إعتمادهم عليه لاسيما دارالسلطنة أصفهان صينت عن حوادث الزمان مع

۵۷. نک: دستور شهریاران، ص ۲۷۳

۵۸. دستور شهریاران، صص ۵۰ - ۴۸

۵۹. نماز جمعه، زمینه های تاریخی و آثار کتابشناسی، تهران، دبیرخانه ائمه جمعه، ۱۳۷۳

کثره الفقهاء و الفضلاء فيها زيادة على سائر بلاد أهل الإيمان و قد أقرّ الكل بإجتهاده و اذعنوا بعدالته و سداده و ليس في هذا العصر مجتهد غيره مسلم الثبوت جامع الشروط.^{۶۰}

سماهیچی در برابر این اشکال نخست می نویسد:

أما كون الفضل المذكور يقول بالتحريم فممنوع و الذي بلغنا عنه ما ثبت عندنا بتقل الثقات و إطلاعنا على فتواه بخطه أنه يفتي أن الاحوط ترك الجمعة و إن صليت فيكون يصلي الظهر و هو يدل على أنه متردد في المسألة غير جازم بها و لا حاكم بمذهبها.

ص: ۱۳۵

پس از آن می افزاید:

و أما كونه فقيهاً صالحاً عدلاً فنحن لانزع في ذلك و لانفتح هذه المعارك بل المعروف و المسموع عنه كذلك ... أما بالنسبة الى فضله و علمه فهو مشهور بذلك لكننا لم نمارسه و لم نطلع على تصنيفه ... لكن وقفنا على كثير من فتاويه فرأينا فيها سالكاً مسالك الاحتياط و التردد و ليس بهذا فرض المجتهد إذا قام الدليل و وضع السبيل بل فرضه العمل بالدليل و عدم الالتفات إلى الاقاول و بالجملة فنحن لاننازع في بلوغه مرتبة الاجتهاد و لكن ننازع في حق القول به ... و نحن لانكر ديانتته و صيانتته و أمانته لكن ننازع في عدم سلامته من الخطأ لانه لاينجوا منه غير المعصوم من الذنوب المبررى من العيوب.

پس از آن با اشاره به آن که مجتهدان جامع شرایط دیگر می نویسد:

و أما في هذا العصر فلاشك أن المشتهر في أصفهان يجب أن يشتهر في سائر البلدان دون العكس و ليس من لم يشتهر دليلاً على عدم فضله.^{۶۱}

اعتقاد فاضل هندی به حرمت اقامه جمعه در زمان غیبت او را از منزلتی اجتماعی و طبعاً سیاسی که ویژه شیخ الاسلامان و ملاباشیان بود محروم می کرد. از قضا زمانی که شیخ محب علی اصفهانی در باره اعتقاد فاضل هندی به حرمت نماز جمعه سخن گفته و به او حمله می کند، ملاعبدالکریم فرزند محمد طاهر قمی (که این محمداطاهر در زمان خود امام جمعه شهر قم بوده) می نویسد: [ایشان] خود را از اغراض ریاست تخلیه فرموده به آنچه فهمیده عمل فرموده اند.

علی قلی جدیدالاسلام نیز از وی با عنوان عالیجناب معلى انتساب الناطق بالحق والقائل

بالصواب مکمل فضائل المتقدمین محصل علوم الاولین و الاخرین أفضل العلماء المتبحرین

مولانا بهاءالدین محمد مشهور به فاضل هندی^{۶۲} از وی یاد کرده. خاتون آبادی از نخستین مجلس درسی که در مدرسه چهارباغ اصفهان^{۶۳} در سال ۱۱۲۲ برگزار شده و شاه میرمحمدباقر خاتون

۶۰ . القامعة للبدعة، نسخه ۴۹۰۲ مرعشی، برگ ۲۶

۶۱ . القامعة للبدعة، برگ ۲۸

۶۲ . نک: ترجمه اناجیل اربعه، مقدمه، ص ۳۴

۶۳ . مدرسه شاه سلطان حسین که اکنون به مدرسه امام صادق(ع) شهرت دارد.

آبادی را مدرس آنجا معین کرده بود، از جمع فضلاء بنام اصفهان چنین یاد می کند: «(میرمحمدباقر) در وقت شروع به جهت رعایت

ص: ۱۳۶

آداب عالیحضرت مجتهد الزمان تکلیف کردند علامه العلمایی آقاجمال (خوانساری) را تا اولاً ایشان درس را شروع نمودند و بعد از آن خود شروع کردند و به بیانی فصیح در کمال تنقیح درس گفتند و حضار آن مجلس عالی از فضلا آقاجمال و امیرمحمد صالح شیخ الاسلام و ملا بهاءالدین مشهور به فاضل هندی ، و ملا محمدجعفر و ملامحمدهادی اولاد ملامحمدباقر خراسانی (صاحب کفایه الاحکام) و ملامحمدرضا ولد ملامحمدباقر شیخ الاسلام و ملامحمد حسین ولد ملاشاه محمد تبریزی و شیخ زین الدین نواده زین الدین صاحب شرح لمعه^{۶۴} بودند.

فاضل هندی حلقه منحصر به فرد اجتهاد شیعی در قرن دوازدهم

فاضل هندی را باید در ردیف مجتهدانی چون آقاجمال دانست . در این زمان، اصفهان بیش از هر زمان دیگر تحت سلطه نگرش اخباری بود. نماینده معتدل این نگرش، علامه مجلسی بود که عمده آثارش، حتی آثار فقهی و کلامی اش در قالب ترجمه احادیث است . در کنار این حرکت، مجتهدان بودند که آثار آنها بر پایه استدلالات عقلانی و بهره گیری از دانش اصول بود . در این زمان، نماینده این تفکر، آقا جمال خوانساری و فاضل هندی بودند. تفاوت این دو عالم تنها در آن بود که فاضل متن فقهی مفصلی را به عنوان شرح بر قواعد الاحکام علامه نگاشت، چنانکه پیش از آن شرحی بر شرح لمعه با عنوان المناهج السویه نوشت . آقاجمال جز حاشیه بر لمعه و نگارش آثار فقهی کوتاه، متن مفصلی آماده نکرد. بعد از این دو، تا مدت زمانی مدید، یعنی در تمام طول قرن دوازدهم، متن فقهی مفصل نوشته نشده و در این فاصله بیشتر نگرش اخباری بر حوزه های علمی حاکم بود . بنابر این کتاب کشف اللثام و نقش فاضل در استادی طالبان فقه اجتهادی، موقعیتی ممتاز یافت و زمانی که صاحب جواهر و صاحب ریاض المسائل دست به نگارش کتابهای مفصل خود زدند، آخرین اثر فقهی مفصل عالمانه را همین کشف اللثام دانسته و از آن در تدوین کتاب خویش بهره فراوان بردند . مرحوم حاج شیخ عباس قمی به نقل از محدث نوری نقل کرده که او به نقل از استادش شیخ عبدالحسین رحمه الله نقل کرده است که صاحب جواهر اعتماد عجیبی به فاضل هندی و کشف اللثام داشته و چیزی از جواهر را نمی نوشت مگر آن که کشف اللثام در دسترس او باشد. پس از آن از قول صاحب جواهر نقل کرده است که:

لو لم يكن الفاضل في ايران ما ظننت أن الفقه صار اليه.^{۶۵} نگاهی به جواهر نشان می دهد که این استفاده بسیار گسترده بوده است. به عنوان مثال در جلد اول ۸۰ مورد. در جلد هشتم جواهر ۱۳۸ مورد از کشف اللثام یاد شده است. در جلد نهم ۸۰ مورد، در جلد دهم ۸۵ مورد، در جلد یازدهم ۱۵۰ مورد، در جلد چهل و سوم ۲۸۰ مورد. در جلد چهل و یکم ۲۰۰ مورد. گستردگی استفاده از کشف اللثام تنها منحصر به جواهر و ریاض نیست بلکه این بهره گیری را در مکاسب شیخ انصاری با گستردگی می بینم. فاضل در این اثر بسیار قوی برخورد کرده و با بهره گیری از ذهن وقاد و نقاد خود، در بالا بردن سطح استدلالات فقهی کوشش بسیار کرده است.

بدین ترتیب باید فاضل هندی را حلقه مهمی در تاریخ اجتهاد شیعی دانست. این حلقات، در مقطع صفوی و در حوزه ایران از محقق کرکی (م ۹۴۰) آغاز می شود. محقق، بنیان گذار مکتب فقهی ویژه خود است. ادامه دهندگان راه او عبارتند از: شیخ حسین بن عبدالصمد (م ۹۸۴) پدر شیخ بهایی، خود شیخ بهایی (م ۱۰۳۰)، میرداماد (م ۱۰۴۰)، حسین بن رفیع الدین معروف به سلطان العلماء (م ۱۰۶۴)، آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸)، آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵) و در انتهای این سلسله فاضل هندی.^{۶۶} این مکتب بعدها با ظهور صاحب جواهر و صاحب ریاض المسائل ادامه یافت گرچه در این فاصله، در احیای مکتب اجتهاد، وحید بهبهانی نقش کلیدی دارد. به این نکته نیز باید توجه داشت که در امتداد حرکت فقهی مکتب محقق کرکی، مکتب فقهی مقدس اردبیلی است با ادامه دهندگانی چون: محمد بن علی موسوی عاملی (م ۱۰۰۹)، نویسنده مدارک الاحکام، حسن بن زین الدین عاملی (م ۱۰۱۱) نویسنده منتقى الجمان، عبدالله بن حسن شوشتری (م ۱۰۲۱) و محقق سبزواری (م ۱۰۹۰) نویسنده کفایه الاحکام. فیض کاشانی را نیز باید در امتداد همین مکتب دانست.^{۶۷}

فاضل هندی کتابدوست

در باره این موضوع در مقالی مستقل به بحث نشستیم. ایم که در تحت عنوان کتابخانه شخصی فاضل هندی در همین مجموعه چاپ شده است.

فاضل مشوق نقد ترجمه عربی تورات

۶۵. فواند الرضویه، ص ۴۷۸

۶۶. مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۵۶

۶۷. فقه شیعه، ص ۵۷

یکی از فرهیختگان این عهد که ارادت کاملی نسبت به فاضل هندی داشته، علی قلی جدیدالاسلام است که از تازه مسلمانان عهد مزبور بوده و چندین کتاب و رساله در ن قد مسیحیت نوشته است. یکی از کارهای عمده وی، نقد ترجمه عربی موجود تورات و شرح سفر پیدایش با عنوان سیف المؤمنین علی قتال المشرکین است که ما آن را به چاپ رسانده ایم. وی ترجمه موجود از تورات را که به تازگی چاپ شده بوده نادرست می دانسته است. مشکل این ترجمه در آن بوده که علمای اسلام، به دلیل یاد نداشتن لغت فرنگان، «بالضروره از روی آن ترجمه عربی اقامه حجت می کردند و بنابر آن که، آن ترجمه عربی موافق خواهش نصارا به قالب زده شده بود، بعد از آن که نصارا بر اجوبه و دلایل علمای اسلام مطلع می گردیدند از روی استخفاف رد اقوال علما کرده و اظهار بی دانشی ایشان می نمودند و کمترین که به لغت نصارا عارف بودم می دانستم که چه حيله ها بکار برده اند، آتش غیرت و حمیت دین مبین شعلهور گشته و تعصب علمای ابرار دامنگیر شده اراده نمود که آن ترجمه عربی را با اصل تورات که به لتین نوشته شده مقابله و به فارسی ترجمه کرده بعد از آن متوجه تفسیر و تأویل عبارات آن شود تا آن که دامهای مکر و فریب علمای نصارا پاره گشته من بعد احدی را به صید نتواند نمود.»

وی پس از آن توضیح می دهد که مشوق اصلی وی در این باره شخص شخیص فاضل هندی بوده است : «عالیجناب معلى انتساب الناطق بالحق و القائل بالصواب، مکمل فضائل المتقدمین، محصل علوم الاولین و الاخرین، افضل العل ماء المتبحرین، مولانا بهاءالدین محمد مشهور به فاضل هندی - ادام الله فضله و فیضه - بر اراده این فقیر در باب مقابله تورات عربی و کتب انبیای سابق با اصل لتینی و ترجمه نمودن آن عربی به فارسی آگاه گشته بنا بر شوقی که ایشان را در ترویج دین مبین هست چون که استحسان این اراده فقیر را به سمع ساکنان پایه سریر خلافت مصیر رسانیده بود به همین قدر از بواعث اکتفا کرده به اعتبار ترغیب و تصدیق عالیحضرت فضایل مآب سابق الالقاب، عزم جزم این فقیر تحقق پذیرفت.»^{۶۸}

ص: ۱۳۹

تاریخ درگذشت و مدفن فاضل

زمانی که صفویان از نظر ظاهری در اوج قدرت بودند، شماری از افاغنه غلزایی، در سال ۱۱۳۴ به شهر اصفهان حمله کرده و پس از مدتی محاصره آن را گشودند و خاندان صفوی را از سلطنت برکنار کردند. به دنبال این رخداد هولناک، بسیاری از عالمان این عهد مورد آزار مهاجمان

۶۸. وی این توضیحات را در مقدمه کتاب سیف المؤمنین فی قتال المشرکین آورده است. در باره آن نک: ترجمه اناجیل اربعه، مقدمه،

قرار گرفته، برخی پنهان شده و برخی در خفا و با مظلومیت درگذشتند. تنها در سال ۱۱۴۲ بود که نادر موفق شد این غائله را خاتمه داده و امنیت را به ایران بازگرداند.

یکی از عالمانی که در این فاصله درگذشت، عالم جلیل القدر و مجتهد مبرز یعنی فاضل هندی است. به دلیل همین رخدادها، تاریخ درگذشت وی برای بسیاری روشن نبوده و برخی منابع آن را ۱۱۳۱ یعنی پیش از جریان حمله افغانه دانسته اند. این سخن نباید درست باشد، زیرا در صورتی که اگر وی به عهد قدرت صفوی درگذشته بود، به طور قطع، همانند دیگر عالمان این عهد، مقبره و تکیه ای می داشت.^{۶۹}

صاحب روضات بر اساس آنچه در سنگ قبر او آمده و اکنون نیز باقی است، درگذشت وی را [در شب] ۲۵ رمضان سال ۱۱۳۷ هجری یاد کرده اند.^{۷۰} گفتنی است که کاتب کتاب بینش غرض آفرینش، از فاضل هندی، در سال ۱۱۳۶، فاضل هندی را با عنوان **البسه الله لباس العبقری** یاد کرده که می تواند اشارتی به زنده بودن [یا نبودن!] وی در آن سال باشد، گرچه ابهام در این استظهار ممکن است. با این حال، حزین که خود در سال ۱۱۳۴ گرفتار فتنه افغان بوده نوشته است که فاضل هندی «چندی قبل از حادثه اصفهان درگذشت».^{۷۱}

در این باره تصمیم گیری آن وقت قطعی خواهد بود که ما، یا سخن حزین را به عنوان دوست فاضل هندی قبول کنیم یا تاریخ یاد شده در سنگ قبر او را!^{۷۲} محل دفن وی در تخت فولاد بوده در کنار وی قبر ملامحمد فاضل معروف به فاضل نائینی قرار داشته و به همین دلیل مردم قبر آن دو را به **فاضلان** می شناخته اند.^{۷۳}

ص: ۱۴۰

گفتنی است تخت فولاد قبرستان کهن اصفهان و در حاشیه مسجد لسان الارض بوده و به همین دلیل به عنوان سرزمینی مقدس شناخته می شده است. تاریخچه آن و مدفونین آن را مرحوم استاد سیدمصلح الدین مهدوی در کتاب ارزشمندی که تحت عنوان **سیری در تاریخ تخت فولاد** نوشته اند آورده اند. در سالهای اخیر، این مکان اختصاص به دفن شهدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یافته و قبرستان عمومی شهر به باغ رضوان واقع در کیلومتر ۱۲ جاده اصفهان - یزد انتقال یافته است. با این حال به دلیل قداست زمین تخت فولاد و نیز به دلیل آن که این سرزمین محل

۶۹. روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۶

۷۰. روضات، ج ۷، ص ۱۱۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۶ در روضات تنها روز درگذشت آمده است. در منبع دوم تعبیر «در شب» که روی سنگ قبر بوده است، به عنوان «سه شنبه» درج شده است.

۷۱. تاریخ حزین، ص ۶۴

۷۲. آیا ممکن است کاتب روی سنگ قبر تاریخ روز را نگاه داشته باشد اما سال را تغییر داده و تاریخ بکت سنگ قبر را نوشته باشد؟

۷۳. سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۶

دفن بسیاری از بزرگان مذهب بوده و نیز اهمیتی که در دهه اخیر به دلیل دفن شهدای جنگ یافته، جاذبه معنوی خاصی برای مردم متدین اصفهان دارد. در این میان گفتنی است که مدفن فاضل هندی در فاصله بیش از دویست و هشتاد سال که از زمان درگذشت وی می گذرد، همواره مورد عنایت مردم متدین شهر اصفهان بوده است. مرحوم گزی در این باره می نویسد: مؤمنین مخصوصاً به جهت برآمدن حاجات به سر قبر او می روند و توسل می جویند. بسا باشد که بعضی از مؤمنین (به) تخت فولاد می روند محض زیارت فاضل و اکتفا به زیارت آن بزرگوار نموده به مزارهای دیگر نمی روند که او را اهم از همه می دانند.^{۷۴} اخیراً به همت شهرداری اصفهان، بقعه کوچک و زیبایی بر مزار فاضل هندی ساخته شده تا برای مردم عالم دوست اصفهان، همچنان به عنوان الگوی دانش و تقوی باقی بماند.

فرزند فاضل

از وی فرزندی با نام محمدتقی شناخته شده است. از قول جامع دیوان سید نصرالله حائری نقل شده است که: شمس سماء الفضل و الإفضال و قطب دائرة الکمال و النوال مولانا محمد تقی ولد الأجل الفاضل الهندی ... نامه ای به سید نصرالله نوشته او را دعوت نموده و سید مشارالیه به اشعاری چند وی را جواب فرموده:

يا أيها المولى التقي الذى *** لسانه ما زال يروى الصواب
يا بن البهائي الذى فضله *** كالشمس اذ لا يعترىها سحاب
أهديت لى رقعة عز غدت *** فى حسنها تشبه عصر الشباب
فيها شراب رائق قد صفا *** وفى رفاع الغير أضحى سراب^{۷۵}

ص: ۱۴۱

۷۴. تذکره القبور، ص ۴۰. و نک: زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۲

۷۵. أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۱۹۷

فصل دوم آثار فاضل

در باره آثار فاضل هندی

تألیفات فاضل هندی متنوع و همگی در علوم اسلامی و ادبی زمان خویش است. وی دوران تحصیل خود را با فراگیری متون رسمی حوزه سپری کرده و تقریباً در همه آنها تبحر کافی بدست آورده است. با وجود آن که کار اصلی وی فقه و اصول بوده اما از نوشتن و تحقیق در عقاید و کلام و فلسفه، تفسیر، و دانش نحو و نیز معانی بیان غفلت نکرده است. عصری که فاضل در آن می زیست از نظر تألیف مشکل عمده ای داشت و آن این که به طور مرسوم، دانشمندان، آراء و اندیشه های خویش را به صورت شرح و حاشیه بر آثار متقدمان می نوشتند. این اقدام از یک سو، ارج نهادن به آرای پیشینیان بود که این کاری پسندیده به شمار می آمد. افزون بر آن، جهت گیری تحقیقات را از نظر زمانی بهتر روشن می کرد و کار صورت تکراری نمی یافت. در عین حال مهم ترین اشکال آن یکی ابتکاری نبودن کار بود. دیگر آن که وقت زیادی از شارح در شرح الفاظ عبارات قدما صرف می شد. فاضل هندی نیز در این شرایط، عمدتاً به کار شرح و حاشیه و تلخیص دست زده گرچه تألیفات با ارزشی نیز از خود برجای گذاشته است. به علاوه، برخی از شرحهای او نظیر کشف اللثام چندان گسترده است که خود در حد تألیفی خاص باید ارزیابی شود. علاوه بر این شرح و تلخیصها، کار دیگر فاضل، ترتیب برخی از آثار است. از جمله ترتیب بخشهای تفسیری کتاب امالی سید مرتضی است که در شمار کارهای تفسیری فاضل هندی است. باید دانست که وی کتابی نیز در تفسیر قرآن داشته که متأسفانه تاکنون نسخه ای از آن معرفی نشده است. تلاش ادبی فاضل هندی هم در تلخیص برخی متون نحوی و معانی بیان هم در جهت راحت کردن آموزش این علوم به طالبان این دانشها، قابل ستایش است. نمونه این اقدامات را ذیلاً در شرح هر یک از آثار فاضل خواهیم دید.

ص: ۱۴۲

چنین نقل شده که در برخی از رسائل او آمده است که وی تا هشتاد تألیف داشته است.^{۷۶} در صور منطبعة نیز ملا عبدالکریم اشاره به همین رقم کرده است. مرحوم مهدوی نوشته است که فاضل

هندی قریب یکصد و پنجاه کتاب و رساله تألیف کرده است!^{۷۷} آنچه را که ما یافته ایم سی و پنج عنوان است که ذیلاً در باره هر یک توضیحاتی داده ایم.

* * *

۱ - **کشف اللثام عن قواعد الاحکام** . این کتاب که نام آن ایضاً «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام» و «کشف اللثام عن حدود قواعد الاحکام»^{۷۸} نیز نقل شده شرحی است بر قواعد الاحکام علامه حلی . فاضل بر آن بوده تا نقاب از چهره این کتاب بردارد .^{۷۹} در کشف الحجب و الاستار از آن به عنوان کشف الابهام یاد شده است، چنانکه در نسخه این کتاب که در سال ۱۲۷۱ چاپ شده آمده است : کشف الابهام عن قواعد الاحکام . شاید همین نامگذاری مصدر صاحب کشف الحجب بوده است.^{۸۰} پیش از وی، کتاب قواعد، توسط محقق کرکی (م ۹۴۰) رئیس مکتب فقهی که فاضل هندی نیز به آن تعلق داشت، تا نیمه کتاب النکاح شرح شده بود . به همین دلیل فاضل هندی شرح خویش را از کتاب النکاح آغاز کرد . تاریخ پایان یافتن شرح کتاب النکاح بیستم ربیع الثانی سال ۱۰۹۶ هجری است.^{۸۱} فاضل در این سال، ۳۴ سال داشته است. کتاب الارث در سال ۱۰۹۸ تمام شده است. وی پس از شرح قواعد تا آخر آن، در اندیشه افتاده تا ابواب نخستین کتاب قواعد را نیز شرح کند . تاریخ ختم شرح کتاب الطهاره، جمادی الاولی سال ۱۱۰۵ است و تاریخ ختم شرح کتاب الحج ۱۶ شوال ۱۱۱۰ است.^{۸۲}

ص: ۱۴۳

سؤالی که در اینجا مطرح است آن که ترتیب تألیف کشف اللثام چگونه بوده است ؟ محتمل آن است که وی پس از آن که از نکاح تا پایان کتاب را شرح کرده در اندیشه شرح ابواب دیگر افتاده است، اما این بار ترتیب خاصی را رعایت نکرده است . به عنوان مثال اول کتاب الطهاره را شرح کرده که در سال ۱۱۰۵ بوده است. مدتی بعد از آن کتاب الحج را در سال ۱۱۱۰ شرح کرده است. در میان کتاب الحج تا نکاح کتاب الجهاد، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و ... تا

۷۷ . زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۲

۷۸ . در مقدمه کشف اللثام، از کار خود به عنوان «کشف لثام الابهام و ظلام الاوهام عن خرائد قواعد الاحکام» یاد کرده است.

۷۹ . لثام به معنای نقاب است

۸۰ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه سپهسالار، ج ۱، ص ۴۶۴

۸۱ . این تاریخ با آنچه در ذریعه آمده که فاضل قبل از بلوغ این شرح را آغاز کرده سازگار نیست. نک: نقد اعلام مکاسب، مجله نور علم،

ش ۲۱، ص ۷۴

۸۲ . افندی (۹۷/۳) نوشته است که فاضل پس از شرح کتاب نکاح تا آخر، اول کتاب الحج بعد کتاب الطهاره و آن گاه کتاب الصلاه را

تألیف کرده. این با تاریخ ختم شرح کتاب حج سازگار نیست

برسد به کتاب النکاح شرح نشده است. آن گاه به سراغ کتاب الصلاة آمده که آن ناقص مانده و تا میانه بحث شکیات نماز ادامه یافته است. در اینجا بوده که مؤلف از شرح بازمانده و طی یادداشتی اشاره به توقف خود کرده است. این یادداشت در نسخه کشف اللثام که به خط شاگرد او محمدعلی کشمیری نوشته شده آمده و ادعا شده که در همه نسخه ها این یادداشت وجود دارد:

وجدت بخط الشارح كتب في هذا الموضع ما هذه عبارته : جف القلم في القضاء بجفاف قلمي في كشف اللثام عن الاتمام و نفا د دموعه عند الابتسام لانثيال الناس على للاستفتاء من جميع ممالك الاسلام حتى استوعب ذلك الليالي و الايام و حرم على السكوت عن الجواب و الاجحام و قد زفقت ما نفسى في هذا المجلد و غيره من المجلدات شيخ الحلة و خريتها الازهر و نادرته و كبريتها الاحمر احمدها اسما و سمات و أوحدها جوهرأ و صفات زقأ زقأ فتملا و تضلّع منه حقأ حقأ نفعه الله به و كل من يستفيد منه و كتب محمد بن الحسن كاشف اللثام عفى الله عنه و عن اسلافه الكرام ثامن عن ثانى الربيعين لالف و مأه و احد و ثلاثين من الاعوام.^{۸۳}

در ادامه این یادداشت از طرف کاتب افزوده شده : هذا كلامه و هو يدل على انقطاع الشرح على هذا الموضع كما هو المشاهد في جميع النسخ.

این یادداشت مربوط به هشتم ربیع الثانی ۱۱۳۱ است بنابر این محتمل است که شرح کتاب الصلوة را در آن حدود تألیف و ناقص رها کرده است. شیخ آقابزرگ این را تلخیص فراغ از تألیف ندانسته اند بلکه تاریخ تمام شدن قرائت نسخه بر شاگردشان شیخ احمد حلی دانسته اند.^{۸۴} گذشت که تاریخ ختم قرائت کتاب کشف اللثام بر کشمیری از سوی مؤلف که در انتهای کتاب الصلاة آمده سال ۱۱۲۹ است.

ص: ۱۴۴

بنابر این پیش از آن تاریخ شرح خاتمه یافته بوده است. عبارت فاضل در سال ۱۱۳۱، صریح در آن است که گویا مدت‌هاست دیگر چیزی بر کتاب خود نیفزوده است.

اکنون در کشف اللثام کتابهایی که شرح شده عبارتند از: کتاب الطهارة، کتاب الصلوة تا بحث شکیات، کتاب الحج، کتاب النکاح و از آنجا تا آخر ابواب فقه.

کتاب کشف اللثام تأثیر مهمی در آثار فقهی پس از عصر خویش داشته است. دلیل عمده آن، اتکای کتاب به نقلهای فراوانی است که مستقیم از آثار فقهی گذشتگان در آن آمده است. علاقه فاضل هندی به کتاب سبب شده است تا او کتابهای زیادی را در اختیار داشته و بدون واسطه از آنها نقل کند. انبوهی این نقلها نیز شگفت انگیز است. علاوه بر این نقلها، فاضل هندی در استدلال خلف فقهای اصیل شیعی است و گرچه ممکن است ابداعی در روش فقهی شیعی ایجاد نکرده

۸۳. نسخه شماره ۳۷۶۷ مرعشی

۸۴. ذریعه، ج ۱۸، ص ۵۷

باشد، اما در تفریعات و ارائه استدلالهای جدید تلاش قابل ستایشی از خود نشان داده است. شاهد مهم این مسأله اعتماد عجیبی است که صاحب جواهر به این کتاب داشته است. به طوری که گفته اند، وی هیچ قسمتی از جواهر خود را بدون این کتاب نمی نوشته است. پیش از این به موارد کشف در برخی از مجلدات جواهر اشاره کردیم. صاحب ریاض المسائل نیز از آن استفاده فراوان برده و بدین ترتیب کشف اللثام یکی از مآخذ ریاض المسائل هم هست.^{۸۵}

تاکنون شش مجلد از کتاب ارجم ند کشف اللثام توسط انتشارات اسلامی قم تحقیق و نشر شده است.

۲ - المناهج السویه فی شرح الروضه البهیة (ذریعه، ۲۲ / ۳۴۵) صاحب مقابس نوشته است: رأیت جمله من مجلداتها فی العبادات و هی مبسوطة مشحونة بالفوائد و التحقیقات.^{۸۶} مجلدات نوشته شده شامل کتاب الطهارة، کتاب الصلاة (پایان تألیف در ۱۰۸۸)، کتاب الزکاة (۱۰۹۳)، کتاب الخمس (۱۰۹۴)، کتاب الصوم (۱۰۹۵) و کتاب الحج می باشد. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه آیة الله مرعشی به شماره های ۲۹۶۵، (کتاب الصلاة) ۲۹۶۶ (کتاب الصلاة)، ۲۹۶۷ (کتاب الزکاة تا پایان اعتکاف)، ۴۰۴۰ (کتاب الصلاة)، ۶۷۸۵ (کتاب الصلاة) موجود است. از مناهج دو نسخه هم به شماره های ۸۰۰۵ و ۱۳۱۵۶ در کتابخانه رضوی (فهرست الفبایی آستان قدس، ص ۵۵۵) موجود است.

ص: ۱۴۵

چند نسخه از آن نیز در کتابخانه مسجد اعظم قم (فهرست، ص ۳۸۹) موجود است. همانطور که از نسخه های معرفی شده بدست می آید کتاب الحج در میان آنها نیست. صاحب روضات نیز کتاب الحج مناهج را ندیده اند.^{۸۷}

پنج نسخه از مناهج در کتابهای مرحوم خوانساری بود که اکنون به کتابخانه آستان قدس منتقل شده است.^{۸۸} در میان آنها نیز اثری از کتاب الحج دیده نمی شود. یکی از آنها متعلق به میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض بوده که به فرزندش میرزا احمد بخشیده است. دو نسخه نیز در کتابخانه مدرسه شهید مطهری معرفی شده که روی یکی از آنها آثار تصحیح توسط مؤلف دیده می شود.^{۸۹} در یک مورد از این کتاب با عنوان المفاتیح النبویه یاد شده که قاعده خطاست.^{۹۰}

۸۵. روضات الجنات، ج ۴، ص ۴۰۱؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه مسجد گوهرشاد، ج ۴، ص ۱۸۶۴؛ زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۲

۸۶. مقابس الانوار، ص ۱۸

۸۷. روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۲

۸۸. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، ص ۲۳۵

۸۹. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری)، ج ۱، ص ۴۴۹

۹۰. فهرست کتابخانه سپهسالار، ج ۱، ص ۴۷۵

نسخه ای از مناهج که بر روی آن اجازه فاضل هندی به سید ناصرالدین أحمد بن سید محمد بن سید روح الامین مختاری سبزواری آمده و صاحب روضات از آن یاد فرموده، اکنون در اختیار استاد عزیز و ارجمند جناب علامه حاج سید محمدعلی روضاتی دام ظلّه می باشد.

۳ - منبه الحریص علی فهم شرح التلخیص . (ذریعه، ۲۲ / ۳۶۱) در بلاغت. گفته شده است که این کتاب شرح ملخص التلخیص است که این خود از قدیمی ترین تألیفات اوست و آن را التمحیص نامیده بوده است. گویا این گفته درست نباشد (به عنوان التنصیص نگاه کنید). فاضل هندی در مقدمه کشف اللثام از این اثر یاد کرده است.

۴ - التنصیص علی معانی التمحیص . از این عنوان در ذریعه یاد نشده است. در معرفی این اثر که نسخه ای از آن در ۱۸ برگ در کتابخانه مرعشی به شماره ۸۱۷ موجود است آمده است که شرحی مزجی است بر رساله التمحیص خود مؤلف که تلخیص المفتاح خطیب قزوینی را در آن مختصر کرده است. این رساله در انتهای کشف اللثام چاپ سنگی اخیر، چاپ شده است. کتاب التمحیص اولین تألیف فاضل هندی است که بنا به تصریح خودش در دوازده سالگی آن را تألیف کرده است. این کتاب در سال ۱۰۷۹ تألیف شده است. مؤلف در مقدمه نوشته است:

ص: ۱۴۶

و بعد فيقول العبد الداخل في اول العقد الثاني محمد بن حسن الاصفهاني اني كتبت رسالة تمحيص التلخيص ... رسالة الفاظها قصيرة و معانيها عزيزة جامعاً لما تشئت في كتب المعاني و البيان ناظماً لما انتشر من لآلي المعاني في ... البستان و قد رأيت السيد السند الشريف المحقق زين الملة و الدين و الحق .. الجرجاني في المنام ذات يوم يقول مشيراً الى التلخيص : ليس الاشكال في التلخيص بل في ملخصه . و بعد أن مدّ المحصلون اليها الاعناق و احدثوا نحوها الاماق فرأيت فهمها عليهم متعاسراً ... فسألني بعضهم ... أن اشرحها شرحاً ... و سمّيته بالتنصيص على معاني التمحيص . و در پایان تألیف آمده است : و قد فرغ من تأليفه يوم الجمعة الحادي و العشرين من شهر الربيع الاخر من شهور سنة الف و ثلث و سبعين و أنا ابن اثني عشرة سنة متوسطاً في ثالثة عشرة و قد وقع فراغی في شهر الله الاصم الاصب رجب المرجب من تلك السنة المذكورة حامداً مصلياً.^{۹۱}

شخصی با نام جعفر در حاشیه صفحه اول این کتاب نوشته است : و غیر المصنف - زیدت برکاته - بعض ما فی الكتاب و أنا عنده حاضر بعد ما مضی من ع مره الشريف ستون سنة تقريباً . «جعفر».^{۹۲} نسخه ای دیگر از این رساله، در مجموعه شماره ۱۸۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه از برگ ۱۶۳ تا ۱۹۳ موجود است.

۹۱ . نسخه ۸۱۷ مرعشی

۹۲ . نسخه ۸۱۷، برگ ۳۲۶ - پ

۵ - الزهره فی مناسک الحج و العمرة، در ذریعه (۲۲ / ش ۷۰۵۵) از آن با عنوان مناسک الحج یاد شده و گفته شده که ابوالحسن الفتونی الشریف^{۹۳} از این کتاب در الفوائد خود که آن را در زمان مجاورتش در مکه تألیف نموده، نقل کرده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مجلس به شماره ۲۷۶۱/۸ موجود است.^{۹۴} این کتاب را محمد بن علی بن حیدر عاملی مکی (م ۱۱۳۹)^{۹۵} شرح کرده است.^{۹۶} نام کتاب وی چنین است: إظهار ما عندی بمنسک الفاضل الهندی. نسخه ای از این شرح یا به عبارت دیگر حاشیه، در دانشگاه تهران موجود است.^{۹۷}

۶ - اجالة النظر فی القضاء و القدر (ذریعه، ۱ / ش ۱۴۶۶). شیخ آقابزرگ نسخه ای از آن را در کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء دیده است.

ص: ۱۴۷

۷ - تفسیر الفاضل الهندی (ذریعه، ۴ / ش ۱۳۰۵). مصدر سخن آقابزرگ، روضات الجنات است. در برخی مصادر به اشتباه کتاب البحر الموج را که کتاب تفسیری از پدر فاضل هندی بوده، به فاضل نسبت داده شده است.^{۹۸} پیش از این در باره این کتاب سخن گفته و اشاره کردیم که از اساس این نسبت نادرست بوده و البحر الموج از آن یک نویسنده سنی هندی از قرن نهم است.

۸ - الزبده فی اصول الدین (ذریعه، ۱۲ / ش ۹۹). در مقدمه کشف اللثام گفته است که خود شرحی بر کتاب زبده اش نوشته است.

۹ - شرح زبده اصول الدین، از این رساله نسخه ای در مجموعه ای از سه رساله فاضل که در اختیار علامه روضاتی است موجود است. ایشان در باره این نسخه برای ما چنین مرقوم فرمودند: در آغاز بعد از خطبه گوید: «اما بعد فلما ألفنا سابقاً کتاب زبده اصول الدین و کان مختصراً ... شرح له شرحاً یشرح به صدور الطالبین». در پایان گوید که تاریخ فراغ از متن ۲۴ شوال ۱۰۷۴ ... و تاریخ ختم شرح در ثلث پایانی شب ۱۶ ذی الحجه سنه ۱۰۷۴ بوده یعنی کمتر از دو ماه از تاریخ نگارش متن. علی اکبر کاتب این رساله گوید «استنسختها بواسطه واحد من خط مبدعها وحید العصر و فرید الدهر بدیع الزمان العالم الربانی ابوالفضل بهاءالدین محمدالاصفهانى ادام الله بهاءه». تاریخ ختم کتابت سال ۱۱۲۷ است. این رساله از پشت برگ ۴۳ تا روی برگ ۵۵ است.

۹۳. الکواکب المنتشرة، ص ۱۷۴

۹۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۹، صص ۱۶۰ - ۱۵۹

۹۵. الکواکب المنتشرة، ص ۶۶۱

۹۶. ذریعه، ج ۲۲، ش ۷۰۵۵

۹۷. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۹۹۳، ش ۳۰۴۹

۹۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۳، صص ۶ - ۵

۱۰ - الحور البریعه^{۹۹} فی اصول الشریعه، (ذریعه، ۷ / ش ۱۳۵۲). در اول کشف اللثام از شرح خود بر این کتابش یاد کرده است. در ذریعه و نیز کشف اللثام سنگی این نام درس ضبط نشده است. (لطفاً به کتاب شماره بعد توجه فرمایید).

۱۱ - شرح الدرۃ البریعه فی علم اصول الشریعه، نسخه ای شامل سه رساله از فاضل هندی در اختیار علامه روضاتی - دامت برکاته - است که نخستین رساله آن رساله ای است با عنوان فوق. ایشان شرحی از این رساله برای ما نوشته اند که عیناً نقل می کنیم: در مقدمه گوید: «أما بعد فقد کتبنا سالفاً من الزمان رسالۃ وجیزۃ حاویۃ بمسائل اصول الفقه کلها ...

ص: ۱۴۸

أردت أن اشرحها بما يحل مشكلاتها ... و أُحیل التفصیل إلى شرحنا لمعالم الدین و ملاذ المجتهدین فإنها مختصره منه.» و در خاتمه تاریخ فراغ از متن در طلوع فجر اول روز چهارشنبه ۲۵ ذی القعدة ۱۰۷۵ و ختم شرح در ربع اول شب ۱۱ محرم ۱۰۷۶ نوشته شده. سپس کاتب گوید: «کتبته ناسخاً من النسخۃ الّتی کانت بخط مصنفها ایدہ اللہ تعالی و هو الشیخ الاعظم و الامام الاعلم الافضل الاکمل سلطان ارباب التحقیق و استاد اولی التفتیح و التدقیق مقرر المباحث العقلیۃ و مذهب الدلائل الشرعیۃ آیۃ اللہ فی العالمین وارث علوم الانبیاء المرسلین بهاء المله و الحق و الدین ابوالفضل محمد بن الحسن الاصفهانی ادام اللہ أفاداته مادامت السموات و الأرضون و أنا احوج العباد علی اکبر بن محمد صالح الحسنی اللاریجانی سنۃ ۱۱۱۷» و در حاشیه گوید: «و کتبت ثانیاً الحواشی المستندۃ إلیه بحذاقیرها». این رساله به خط نسخ سرخ و سیاه از پشت برگ دوم تا روی برگ ۴۱ نوشته شده است.

۱۲ - خلاصۃ المنطق، از این رساله نیز نسخه ای موجود است که همراه دو رساله دیگر در اختیار استاد روضاتی است. ایشان در باره این نسخه برای ما چنین مرقوم فرموده اند: آغاز بعد از خطبه گوید: «اما بعد فهذه رسالۃ حاویۃ بخلاصۃ علم المنطق الموسومۃ بخلاصۃ المنطق و فیها مقالاتان» و در خاتمه است که در شب ۱۵ ربیع الاول سنه ۱۰۷۳ از آن فارغ شده و کاتب گوید: «و نسخه من نسخۃ الاصل و أنا أحقر العباد علی اکبر بن محمد صالح الحسنی اللاریجانی فی شهر جمادی الثانی (کذا) من شهور سنۃ ۱۱۲۷. این رساله از پشت برگ ۴۱ تا روی برگ ۴۳ نوشته شده است.

۱۳ - الحاشیۃ علی المواقف، (ذریعه، ۶ / ش ۷۴۴). آقابزرگ می گوید که سید عبدالله شبر در برخی از تصانیف خود از آن نقل کرده است.

۹۹. حوریان زیبا. این نام در منابع به درستی ضبط نشده و اینجا بر حسب آنچه استاد علامه روضاتی استظهار کردند ضبط شده است.

۱۴ - الحاشیة على الهدایة الاثریة للمبیدی (ذریعه، ۶ / ش ۷۵۸) هیچ توضیحی در باره

این کتاب داده نشده و درست آن علی شرح الهدایه است.

۱۵ - الاحتیاطات اللازمة، (ذریعه، ۱۱ / ش ۲۰۴). نسخه آن را صاحب ذریعه در مکتبه

التستریه نشان داده است. در آنجا آمده است که عبدالحسین بن عبدالرحمن بن عبدالحسین بغدادی (۱۱۳۴) آن را نوشته و در آن تصریح کرده که از افادات استاد است.

۱۶ - عون اخوان الصفا علی فهم کتاب الشفاء یا عون اخوان الصفا فی تلخیص الشفاء،

(ذریعه، ۴ / ش ۱۵؛ ۱۸۶۸ / ص ۳۶۱). عنوان اول از یادداشت خود فاضل هندی

ص: ۱۴۹

بر روی نسخه ای از کتاب است. در روضات از این کتاب یاد شده و گفته شده که ناتمام مانده است. در فهرست الفبایی (ص ۳۲) با عنوان اخوان الصفاء فی تلخیص الهیات شفاء از آن یاد شده است. کتاب مزبور به شماره های ۳۰۹، ۵۲۷ (کتابت ۱۰۹۷)، ۵۲۸ (کتابت ۱۲۶۵) و ۵۲۶، ۵۲۹ در کتابخانه رضوی موجود است. استاد عبدالحسین حائری نوشته است: یک بار در شانزده سالگی شفای شیخ رئیس ابن سینا را تلخیص کرد اما آن سوخت و نابود گردید و بار دیگر در بیست و شش سالگی تلخیص شفا را نوشت.^{۱۰۰} این کار در سال ۱۰۸۴ پایان یافته است. کتاب ضمن دیباچه مفصلی به شاه سلیمان صفوی (م ۱۱۰۵) تقدیم شده است. در آنجا تصریح کرده که «به تلخیص سه علم از علوم شفاء توفیق یافتم.» آقای حائری می افزاید: و منظور صاحب روضات که فرماید وی این کتاب را تمام نکرد ه شاید آن است که به ریاضیات و تعلیمات نپرداخته است. نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۰۸۴ با نسخه مؤلف و توسط خود مؤلف مقابله شده در کتابخانه مجلس موجود است. حواشی مؤلف با عنوان محمد بن الحسن الاصفهانی در چند جای کتاب به چشم می خورد که آقای حائری آنها را در فهرست آورده است.^{۱۰۱}

فاضل هندی در جایی از این نسخه نوشته است: کتاب عون اخوان الصفا علی فهم کتاب الشفاء من مؤلفات افقر المربوبین الی رحمه ربه الغنی محمد بن الحسن الاصفهانی الشهیر ببهاء الدین الاصفهانی فرغ من تألیفه و هو ابن اثنتی و عشرين و قد کان فرغ من تألیف ال تلخیص الاول الذی احترق و هو ابن ست عشرة و الحمد لله رب العالمین. گفتنی است که بخشی از کتاب تلخیص الشفاء به کوشش جناب آشتیانی در منتخبات آثار حکما، ج ۳، صص ۵۴۳ تا ۵۷۳ چاپ شده است.

۱۰۰. در ادامه از یادداشت خود فاضل هندی معلوم می شود که در بیست و دوسالگی این کار را انجام داده است

۱۰۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۵، صص ۴۱۹ - ۴۱۷

۱۷ - اثبات الواجب فی اثبات الواجب، رساله ای است به زبان عربی و مفصل که فاضل هندی آن را در سال ۱۰۸۰ تألیف کرده و به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است. نسخه ای از آن در مجموعه شماره ۱۸۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از برگ ۱ تا ۸۸ موجود است. آقای دانش پژوه نوشته اند که شاید این همان رساله ای باشد که صاحب روضات از آن یاد کرده که: رساله فارسیه فی اصول الدین سماه کلید بهشت.^{۱۰۲} گویا از این نکته غفلت شده که اساساً رساله به زبان عربی است.

ص: ۱۵۰

۱۸ - حکمت خاقانیه، در آغاز آن چنین آمده: «چنین گوید راجی فضل و جود ربانی محمد مشهور ببهاءالدین اصفهانی که این رساله ای است در سه علم ... اول مرطق ... دوم طبعی ... سوم الهی». این نسخه از نوشته های فارسی ارجمند فاضل هندی است که شامل یک دوره فلسفه به زبان فارسی و با اختصار نوشته شده است. نسخه ای از آن در مجموعه شماره ۱۸۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از برگ ۱۱۱۱ تا ۱۶۲ موجود است.

۱۹ - السؤال و الجواب او جوابات المسائل (ذریعه، ۵ / ش ۱۰۹۴؛ ۱۲ / ش ۱۶۳۸)

۲۰ - شرح العقائد النسفیة، (ذریعه، ۱۳ / ش ۱۳۸۲). در اول کشف اللثام از آن یاد شده است.

۲۱ - شرح العوامل، (ذریعه، ۱۳ / ۱۳۹۲). این اثر شرحی است بر عوامل جرجانی. نسخه ای از شرح عوامل او در کتابخانه رضوی به شماره ۳۸۷۱ (کتابت ۱۱۹۸) موجود است. از این کتاب نسخه ای نیز در کتابخانه فیضیه قم (فهرست، استادی، ص ۱۴۱) موجود است.

۲۲ - شرح العوامل. ذریعه تنها از شرح فوق یاد کرده است. این شرح، شرح عوامل ملامحسن بن محمد طاهر قزوینی^{۱۰۳} است که نسخه های متعددی از آن در کتابخانه رضوی (فهرست الفبایی، ص ۳۴۸) موجود است. در باره این رساله باید نسخه های آن به دقت ملاحظه شود. گفتنی است که این ملامحسن تا سالها بعد از درگذشت فاضل زنده بوده و به کار تألیف می پرداخته است.

۲۳ - حرمه صلاة الجمعة فی الغیبة، (ذریعه، ۱۵ / ۵۱۸). نسخه ای از این رساله در کتابخانه مجلس به شماره ۲۷۶۱/۵ موجود است.^{۱۰۴} رساله مزبور در سال ۱۰۹۷ تألیف شده است. در معرفی این رساله گفته شده: وی یکایک اخبار و ادله ای که طرفداران جواز اقامه جمعه در

۱۰۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۴۷۰

۱۰۳. در باره او نک: الکواکب المتشهره، ص ۶۳۷

۱۰۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۹، ص ۱۵۶

عصر غیبت یاد کرده اند نقل و رد کرده است و خود نیز دلیلهایی بر عدم جواز آن آورد ه است. وی در انتهای رساله اشعاری به عربی سروده و در آن تاریخ تألیف کتاب خویش را نیز آورده است.:

ص: ۱۵۱

و قد كان الفراغُ ليومٍ سبَّت *** و قد ركبَ المُضيف على الدَّهَابِ
و ألفٌ بعد سبعِ سنينِ تَمَّت *** و تسعون تعدُّ في الحساب
محمدٌ البهاءُ كفاه فخرًا *** بلُّنْ يُدعى ولىَّ أبى تُراب^{۱۰۵}

سماهیجی کتاب فذلکة الدلائل را در رد بر آن و ظاهراً آنچه در کشف اللثام در این باره بوده، نوشته است. همان طور که گذشت وی در القامعة للبدعه در این باره بر فاضل هندی خرده گیری کرده است. رساله دیگری با عنوان صلاة الجمعة از عبدالله حسینی مدنی در رد بر رساله فاضل هندی نوشته شده که نسخه ای از آن در کتابخانه آیه الله مرعشی (فهرست، ج ۱۳، ص ۸۵) موجود است.^{۱۰۶} در این باره در کشف اللثام نیز به تفصیل سخن گفته شده است.

۲۴ - فهرست لکنزالفوائد (ذریعه، ۱۸ / ص ۱۶۱؛ ش ۱۱۹۵) شیخ آقابزرگ نوشته اند که با برخی از نسخه های کنز، فهرستی از آن بود که تصریح شده بود که از فاضل هندی است. شاید نتوان این را تألیف به حساب آورد.

۲۵ - اللالیء العبقریه فی شرح العینیة الحمیریة، (ذریعه، ۱۸ / ص ۲۵۹، ش ۱۷). نسخه آن در کتابخانه دانشگاه (۱۸۷۰) موجود است. صاحب روضات با اشاره به آن نوشته است: أنه اقوی دلیل علی کون الرجل قد وجد من کل فن من فنون العربیة کنزه. این اثر شرحی است بر قصیده عینیة سید حمیری. کتاب در ۱۰۸۹ تألیف شده است. نسخه ای از آن در ۲۱۱ برگ در کتابخانه مرعشی به شماره ۴۷۹ موجود است. نسخه دیگری نیز به شماره ۱۸۱۴ در ۲۳۲ بگ در همان کتابخانه موجود است. نسخه ای نیز به شماره ۹۸۸۵ (کتابت ۱۰۸۹) در کتابخانه رضوی (فهرست الفبایی، ص ۴۸۰) موجود است.

۲۶ - النجاء، (ذریعه، ۲۴ / ش ۲۷۵). آقابزرگ می فرماید که رأیت النقل عنه فی حیاته.

۱۰۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۹، صص ۱۹۷ - ۱۹۶

۱۰۶. نماز جمعه، زمینه های تاریخی و آگاهیهای کتابشناسی، صص ۸۲، ۶۱، ۶۴. و نک: الاجازة الکبیرة، ص ۲۰۷. در آنجا در باره سماهیجی می نویسد: و له رسائل متعددة فی وجوب الصلاة و الرد البالغ علی من أنکر ذلک خصوصاً الفاضل الهندی فی شرح القواعد.

۲۷ - کلید بهشت، (منسوب)، (ذریعه، ۱۸، ص ۱۳۲، ش ۱۰۶۵). مرحوم صاحب روضات از این کتاب به عنوان کتابی در اصول دین یاد فرموده است. در ذریعه با اشاره به آنچه با این نام اخیراً چاپ شده، آمده است که کتاب چاپ شده از قاضی سعید قمی است

ص: ۱۵۲

و در اصول دین نیز نیست، در حالی که به نقل صاحب روضات کتاب در اصول دین بود ه است. نسخه ای از کلید بهشت معروف در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص ۶۱۰) معرفی شده که در آن کتاب را به ملارجب علی نسبت داده اند. در واقع حکیم قاضی سعید شاگرد ملارجب بوده است. در باره نسبت کتاب به قاضی سعید در ریاض نیز توضیحاتی آمده است.^{۱۰۷} لازم به یاد آوری است که فاضل هندی کتابی در اصول دین دارد که عنوان آن بینش غرض آفرینش است و ذیلاً در باره آن توضیح داده شده است.

۲۸ - بینش غرض آفرینش. در اصول دین تا امامت. در ذریعه (۳ / ص ۱۹۵، ش ۷۰۶) از این کتاب یاد شده اما از مؤلف آن یاد نشده است. کتاب مزبور به کوشش آیه الله سپید جواد مدرسی در یزد چاپ شده است. وی در مقدمه یادآور شده که نسخه ای از این کتاب را که در سال ۱۱۳۶ نوشته شده داشته است، نسخه ای نیز که در سال ۱۱۱۶ کتابت شده در کتابخانه رضوی ذیل کتب حکمت به شماره ۴۹ موجود است. در نسخه رضوی نامی از مؤلف نیامده گرچه نوشته شده که برای شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده است. اما در نسخه شخصی آقای مدرسی، کاتب در پایان رساله نوشته است: تمام شد رساله بینش غرض آفرینش از جمله تألیفات عالی حضرت مجتهد الزمانی مولانا بهاءالدین محمد بن الحسن الاصفهانی المشتهر بالفاضل الهندی البسه الله لباس العبقری). کاتب رساله در پایان نوشته است که رساله را در «سه شنبه ششم ذی حجه سال ۱۱۳۶ در قریه خورمیزک (از جمله قرای مهریز یزد) در ایامی که از خوف افاغنه خود را مع اهل و عیال به آن سمت کشانیده بود» نوشته است. در اثبات این که کتاب از آن فاضل هندی است، این ن یز شاهد قطعی است که فاضل در رساله چهار آئینه، گفته است که در باره اثبات خداوند «مشروحاً در رساله بینش غرض آفرینش» مطلب نوشته است.^{۱۰۸}

۲۹ - کاشف اسرار الیقین من اصول الشرع المبین فی شرح معالم الدین، این اثر شرحی

است بر کتاب معالم الدین مرحوم شیخ حسن عاملی. کتاب در صدد دفاع از ایراداتی است که دیگران بر مؤلف وارد کرده اند. نسخه ای از این کتاب در ۲۲۴ برگ در کتابخانه مرعشی به شماره

۱۰۷. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۸۵

۱۰۸. چهار آئینه، نسخه ۷۵۲۹ مرعشی، برگ ۲ - پ

۴۷۴۴ موجود است. این نسخه به خط مؤلف بوده و خط خوردگیهایی دارد. گویا نسخه دیگری از آن در دست نباشد به ویژه که در مصادر کتابشناسی از آن یاد نشده است.

ص: ۱۵۴

۳۰ - قراح الاقتراح. از این اثر در ذریعه یاد نشده است. در معرفی آن آمده است: سیوطی کتاب مختصری به نام **الاقتراح فی اصول النحو و جدله** نوشته و فاضل هندی آن کتاب را با حفظ ترتیب اصل مختصر نموده و بخشهایی از آن را حذف کرده است. از این اثر که در سال ۱۰۸۱ تألیف شده نسخه ای در ۱۳ برگ موجود است.^{۱۰۹} فاضل در مقدمه آن می نویسد: اما بعد ... فهذه رسالة قراح الاقتراح الهادية للعقل الصراح الى اصول النحو الوضاح ، هذبتُ فيها رسالة الاقتراح التي اقترحها الشيخ الفاضل و الحبر الكامل علامة عصره و اعجوبة دهره جمال الملة و الحق و الدين جلال الدين السيوطي أسكنه الله وسط جنانه و كساه حلل رضوانه في علم اصول النحو جامعاً موجزاً ... مسقطاً لما فيه من الحشو و التطويل جامعاً مع غاية الإيجاز حق التفصيل ...^{۱۱۰} این رساله در انتهای کشف اللثام در یکی از چاپهای سنگی آن با مقدمه آیه الله مرعشی، چاپ شده است. نسخه ای از آن در مجموعه شماره ۱۸۶۴ کتابخانه دانشگاه تهران، از برگ ۸۹ تا ۱۱۱ موجود است.

۳۱ - موضح اسرار النحو، در آغاز این رساله آمده است: فاعلموا اخواني ايدكم الله أنه قد التمس مني بعض خلاني و خلص اخواني الى اقتناص الحقائق من المعاني و اقتباس الدقائق من المثاني أن اكتب له كتاباً في **علم النحو** متكباً عن الإيجاز المخل و الاسهاب الممل. نسخه ای از این رساله در مجموعه شماره ۱۸۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، از برگ ۱۹۶ تا ۲۴۱ موجود است.

۳۲ - الرسالة التهليلية، در ذریعه از این اثر مؤلف یاد نشده است. موضوع رساله در باره لاله الا الله و مسائلی است که از آن بدست می آید. نسخه ای از آن در مجموعه ۸۱۷ کتابخانه مرعشی موجود است. آغاز آن چنین است: اعلم أنهم اختلفوا في كلمة لاله الا الله التي لاخلاف بين المسلمين في انها كلمة التوحيد ...^{۱۱۱} این رساله در انتهای کشف اللثام، چاپ شده است.

۳۳ - الكوكب الدرّی. از این اثر نیز در ذریعه یاد نشده. موضوع آن در باره تفسیر آیاتی است که از غرر الفرائد سیدمرتضی انتخاب و توضیحاتی بر آن افزوده شده است. بعد از آن آیاتی را که در تنزیه الانبیاء تفسیر شده، بر آن افزوده و در شب سه شنبه اول محرم سال ۱۰۹۷ آن را

۱۰۹. فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۱۶، ش ۸۱۷

۱۱۰. نسخه ۸۱۷ مرعشی، برگ ۳۱۳ - پ

۱۱۱. نسخه ۸۱۷ مرعشی، برگ ۳۱۲ - پ

پایان داده است. اثر مزبور در مجموعه ۸۱۷ کتابخانه مرعشی آمده است.^{۱۱۲} فاضل در مقدمه این اثر تفسیری، در باره غرر و ضرورت اقدام خود برای ترتیب این کتاب نوشته است:

... فما أعجب ما أبدع فيه من بدائع الم عانی و ما أحسن ما أودع فيه من كواعب الغواني و لكن لغاية بسطة متشتتاً لأذهان النظار و لغاية ضوئه مخفياً عنه ضعفاء الأنظار، فاردت أن اصطفى من مسائله ما يتعلق بالتفسير فاجزها ايجازاً متنكباً عن الإخلال و أوضحها ايضاحاً متجنباً عن الإملال ليدرکها کل حدی و کلیل و يتناولها کل علیل و غلیل و ازید علی ذلک ما هجس صدری المثلوب و جال فی قلبی المقلوب من تحقیقات و توجیہات یناسب المقام و اشارات إلی ایرادات لاتخل بأصل المرام ... و الحققت بها ما فی کتابه تنزیه الانبیاء و الائمه من تفسیر الای ثم جعلت له ذیلاً اذکر فيه تفسیر بعض الاخبار و مسائل اخر و سمّيته بالکوکب الدرّی و الله المستعان.^{۱۱۳}

از این کتاب نسخه ای نیز در کتابهای مرحوم خوانساری بوده که اکنون به کتابخانه آستان قدس رضوی برده شده است.^{۱۱۴} این رساله هم در انتهای کشف اللثام، چاپ شده است.

۳۴ - حاشیه بر کافی ه. از این اثر نیز یادی در ذریعه نشده، نسخه ای از آن در کتابخانه رضوی به شماره ۶۸۳۴ (فهرست الفبایی، ص ۲۰۸) موجود است. نسخه ای نیز در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد (ش ۲۰۷) موجود است.

۳۵ - چهار آئینه (ذریعه، ۱۱ / ص ۱۶۸). این کتاب که در سال ۱۱۲۶ تألیف شده،^{۱۱۵} در چهار فصل تنظیم گردیده، یکی اثبات واجب با دلیلی تازه، دوم اثبات آن که امامت غیر معصوم ملازم با کفر است، سوم آن که آیه غار خلاف آنچه را از آن تصور شده، دلالت می کند. چهارم اثبات عصمت اهل بیت از آیه تطهیر. کتاب پنج صیقل از محب علی اصفهانی در رد بر این کتاب تألیف شده است (ذریعه، ۳ / ص ۱۹۹). در پاسخ پنج صیقل کتاب النسائم فی الذب عن الانتقاد را مولی درویش محمد هزار جریبی نوشته است. هر سه کتاب که تاریخ کتابت آن سال ۱۱۳۱ بوده در مجموعه ای نزد مرحوم سید محمد رضا

ص: ۱۵۵

زنجانی فرزند سید محمد زنجانی بوده است. کلتی نیز با عنوان **صور منطبعة** از ملا عبدالکریم بن ملا محمد طاهر قمی در رد بر محب علی نوشته است. در این اثر چهار آئینه، متن

۱۱۲. چهار رساله فاضل هندی موجود در نسخه ۸۱۷، بر اساس همان نسخه و همان خط به عنوان ضمیمه کشف اللثام و با مقدمه آیه الله مرعشی چاپ شده است.

۱۱۳. الکوکب الدرّی، نسخه مرعشی ش ۸۱۷، برگ ۲۵۴

۱۱۴. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، ص ۲۰۲

۱۱۵. شیخ آقابزرگ نوشته اند که این رساله در سال ۱۱۲۲ نوشته شده است. نک: ذریعه، ج ۵، ش ۱۴۸۱. این با آنچه در انتهای چهار آئینه آمده منافات دارد.

پنج صیقل با جوابیه خود او بر اعتراضات محب علی اصفهانی به صورت قطعه قطعه آمده است . نسخه ای از صور منطبعة در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است. این همان نسخه ای است که رساله تطهیر التطهیر فاضل هندی نیز در آن آمده و ذیلا به معرفی آن خواهیم پرداخت . نسخه ای از چهار آئینه در کتابخانه مرعشی به شماره ۷۵۲۹ موجود است. نسخه دیگری از چهار آئینه در کتابخانه آیه الله گلپایگانی به شماره ۲۲۷ موجود است.^{۱۱۶}

فاضل هندی در مقدمه ای که بر این کتاب نوشته ابتدا از مسأله ظهور مجدد در ابتدای هر سده یاد کرده و در ادامه می نویسد: ... و سنیان این روایت را قبول دارند و بر سر هر صد سالی عالمی از سنیان و عالمی از شیعه نام برده اند که دو صد سال قبل از این که بحمد الله تعالی و المنه از سنیان احدی تا حال نیامده که نام او را توانند مذکور نمود و از علمای امامیه بوده اند و بر سر صد دوازدهم که هزار و صد و یازده بوده باشد تا حال که هزار و صد و بیست و شش باشد سوای داعی که محرر این اوراق است احدی از امامیه مذکور و مسموع نمی شود که در تجدید دین مبین کوشیده باشد یا اثر نمایانی در رواج دادن اصول و فروع از او به ظهور رسیده باشد و از داعی بحمدالله و المنه، اثرهایی نمایان شده که پوشیده و پنهان نیست اما در فروع دین، پس تصانیف و فتاوی داعی که اکثر مردم را از گمراهی نج ات داده و می دهد، زیاده از آن است که در حیّز حد و احصا در آید و احدی انکار نمی تواند کرد و اصلا مذکور و مسموع نشده که عصری از اعصار سالفه، عالمی از علما زیاده بر داعی اوقاتش را مصروف در ترویج شرایع دین نبوی گردانیده باشد.^{۱۱۷}

۳۶ - تطهیر التطهیر عن اوهام شبه الحمیر، این رساله به زبان عربی در اثبات عصمت

خاندان پیامبر (ص) است. رساله مزبور در پاسخ یک از علمای اهل سنت که به نام وی تصریح نگردیده نگاشته شده است. نسخه ای از آن که دو برگ است موجود است.^{۱۱۸}

ص: ۱۵۶

در همین مجموعه، رساله ای با عنوان شرح تطهیر التطهیر که مؤلف آن ناشناخته است و در اصل در رد گفتار فاضل هندی تألیف شده است . این شرح در پنج شنبه، هفدهم صفر سال ۱۱۳۰ تمام گردیده و در آن از حق الیقین مرحوم مجلسی نیز یاد شده است . بر این رساله حواشی ای وجود دارد که در انتهای آن نوشته شده: من خط الفاضل المحقق ... بهاءالدین محمد بن الحسن المشهور بالفاضل الهندی . گویا این حواشی رد بر انتقادات متن است . رساله دیگری در

۱۱۶ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۹۷

۱۱۷ . چهار آئینه، نسخه شماره ۷۵۲۹ مرعشی، برگ ۱

۱۱۸ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۱، ص ۴۹، ش ۴۲

ادامه با عنوان **شرح تطهیر التطهیر** از سید عبدالباقی حسینی در این مجموعه آمده و در مقدمه آن آمده است که به درخواست دوستان در شرح رساله فاضل هندی تألیف شده است. رساله **اذهاب الرجس عن حظيرة القدس** در همین مجموعه از ملا عبدالکریم بن محمد طاهر قمی موجود است که در پاسخ به اشکالاتی است که یکی از دانشمندان در شرح خود بر تطهیر التطهیر فاضل هندی وارد کرده و مقصود همان نقدی است که در سطور پیش از همین مجموعه معرفی شد. در ادامه، ملا عبدالکریم به درخواست شخصی با نام حاج محمدزمان تاجر اذهاب الرجس خود را ترجمه کرده است. در این متن عین عبارات همان رساله ای که در انتقاد از فاضل هندی بوده دیده می شود.^{۱۱۹} در ادامه، در همین مجموعه، صور منطبعة که فوقاً شرح آن گذشت آمده است.

۳۷ - الزام العار لصاحب الغار این عنوان نیز در مجموعه شماره ۴۲ کتابخانه آیه الله گلپایگانی در قم آمده و حجم آن چهار برگ دانسته شده است. در ادامه این رساله، مؤلف قصیده لامیه ای که شامل ۵۵ بیت است سروده و در ضمن آن به صورت سؤال و جواب در باره آیه غار مطالبی را بیان کرده و در انتهای آن آمده است: **کتب البهاء الاصفهانی بخطه**.

۳۸ - تحریم خمر رساله ای است در شش برگ شامل ترجمه روایات ی با حذف سند در حرمت خمر و عقوبت میگساران. نسخه ای از آن به شماره ۸۲۶۶ در کتابخانه مرعشی موجود است. فهرست نویس محترم، نوشته اند که این رساله در نسخه حاضر به فاضل هندی نسبت داده شده که ما در نسبت آن تردید داریم!^{۱۲۰} قابل ذکر است که تاریخ کتابت

ص: ۱۵۷

نسخه، سال ۱۱۰۶ می باشد. در بالای رساله نوشته شده است: رساله ای است که رئیس **المجتهدین بهاء المله و الدین الشهیر بالفاضل** - دام ظلّه - نوشته است.^{۱۲۱} به نظر می رسد که جای تردید در نسبت کتاب به فاضل وجود ندارد.

۳۹ - زبدة العربیه، این اثر تلخیص و ترجمه مطول تفتازانی است. هدف فاضل هندی از این کار نظیر تلخیص های دیگر، این بوده است تا برای طالبان علم «سیما مبتدین، سهل و آسان باشد ادراک و دریافتن مطالب علم عربیت». بدین قصد «پس توکل بر خالق ... نموده در آن شروع نمود و آن را به قید کتابت کشیده به **زبدة العربیه** موسوم گردانید.» نسخه ای از این رساله به شماره ۹ / ۱۰۱ در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است. ممکن است نسخه اصل باشد زیرا داری خط خوردگی فراوانی است. در ذریعه از این اثر یاد نشده است.

۱۱۹. فهرست نسخه های کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۱، صص ۵۲ - ۴۹

۱۲۰. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۱، ص ۲۲۷

۱۲۱. نسخه ۸۲۶۶ مرعشی، برگ ۴۸ - پ

۴۰ - حاشیه بر قرب الاسناد، نسخه ای از قرب الاسناد در کتابخانه آیه الله مرعشی (ش ۹۸۲) ^{۱۲۲} موجود است که حواشی فراوانی با امضاء بهاء که همان فاضل هندی است، بر آن می بینیم این حواشی آن اندازه ای هست که تألیفی مستقل برای فاضل هندی شمرده شود. گفتنی است که نسخه مزبور در اختیار میربهاءالدین مختاری بوده که او نیز بهاء امضاء می کرده است. محتمل است که یادداشتها از آن او باشد. در این صورت باید گفته که تنها در وقت قرائت این کتاب نزد فاضل مطالبی مطرح می شده که شاگرد در اطراف نسخه یادداشت می کرده است.

۴۱ - الرسائل الكثيرة! (ذریعه، ۱۰ / ص ۲۵۷، ش ۸۵۵). در روضات آمده است: (وله) أجوبة مسائل كثيرة عمدتها في الفقه بل أبواب العبادات، إلى غير ذلك من الرسائل و التعليقات و الخطب و الإجازات. ^{۱۲۳}

۴۲ - تحفة الصالح، مجموعه ای است از فتاوی فاضل هندی که شاگرد وی محمد صالح کزازی قمی آن را فراهم آورده است. ^{۱۲۴}
ص: ۱۵۸

۱۲۲ . متأسفانه در فهرست کتابخانه از این نسخه به عنوان نسخه کافی یاد شده، گرچه ضمیمه آن روضه کافی نیز موجود است

۱۲۳ . روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۳

۱۲۴ . اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۳۸